وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره سی ویکم چهارشنبه ۲۸ جوزا ۱۳۸۲ - ۱۸ ربیع الثانی ۱٤۲٤ - 18June 2003

سرمقاله

پیشرفت کشور بدون اصلاحات میسرنیست

ص۲

قانون اساسی

ص۵

قرائت جنبش های اسلامی از دمکراسی

ص٦



استاد در هنگام ورود به بغلان با مستقبلان مصافحه می کند



استاد در هنگام سخنرانی در جمع مردم شهر جدید بغلان

استاد در میان توده یی از مردم ولایت بغلان:

به کسی اجازه داده نشود که برخلاف ارزش های ملی و اسلامی ما عمل کنند

استاد روز پنجشنبه ۲۲جوزا ساعت پنج صبح جهت بازدید از ولایت بغلان همراه با هیأتی رهسپار آن جاشدند. این سفر استاد در پی تقاضای مکرر اهالی وبزرگان وعلمای این ولایت به ویژه مردمان بلادیدهء ولسوالی زلزله زدهء نهرین انجام پذیرفت. کاروان استاد از راه سالنگ وارد بغلان شد. مردم در همه جا به پذیرایی استاد صف بسته بودند. ص۳

استاد در دیداری با رئیس صلیب سرخ جهانی:

صلیب سرخ در دوران جهاد ومقاومت به مردم افغانستان یاری کرده است



استاد ربانی روز۲۱جوزا هنگام ملاقات با رئیس صلیب سرخ جهانیI.C.R.C از خدمات انسانی این مؤسسه جهانی در دوارن جهاد ومقاومت به نیکویی یاد آور گردیدند و از آن تمجید نمودند.

رئیس صلیب سرخ جهانی ضمن تماس به ترور واختطاف افراد وابسته به مؤسساتی که مشغول خدمات اجتماعی در افغانستان اند، گفت: در صورتی که ترور کارمندان مؤسسات خارجی ادامه یابد، کمک جامعهء بین المللی به افغانستان کمتر خواهد شد.

محترم استاد ربانی با ارزیابی از کار انسانی وفداکارانه این مؤسسه جهانی گفت: صلیب سرخ در دوران جهاد وهمچنان در دوران مقاومت، مردم افغانستان را در سنگر های داغ جهاد ومقاومت یاری رسانیده است. به مجروحین جنگ کمک های به جا نموده است که قابل ستایش می باشد.

در این ملاقات اضرار وپیامدهای سوء کشت مواد مخدر در کشور نیز مورد بحث قرار گرفت.

استاد ربانی از جانب خود وعده همکاری در قسمت از بین بردن کشتزارهای کوکنار را سپردند که مورد استقبال رئیس صلیب سرخ جهانی قرار گرفت.

په ارزګان کي اوه تنه ووژل شول

په ارزګان کي له مخدره مواد و سره د مبارزي د اداري ۷ تنه کارکوونکي ووژل او دري تنه نور ټپيان شول.

پيښه هغه وخت مينځ ته راغله چي نوموړي کسان دکوکنارو د له مينځه وړلو په مقصد دکوکنارو دکښت يوي سيمي ته روان و چي په ناڅاپي توګه له يو پټهون ځاي څخه ډزي وشوي. ويل کيږي چي په دغه بريد کي دسيمه ييزو بزګرانو لاس و.

پيښه د پوليسو او دولتي چارواکو له خوا ترڅيړني او پلټني لاندي ده.

بن لادن، معمایی که ناگشوده ماند

ص۷

وزیر مالیهٔ کشور حاتم بخشی می کند

علی کوهستانی

خرچ اگر از کیسهء مهمان بود حاتم طایی شدن آسان بود

چون شکوه و شکایت در باره کم بودن و عدم کفایت معاش و حقوق ماهوار کارمندان دولت گوش فلک را کر کرد و پاسخ در خور نیافت، وزیر مالیه بالاخره راه حل جالبی تدارک دید، تا مبادا کارمندان دولت به این باور، که گوش شنوایی در میان مقامات عالی رتبهء دولتی وجود ندارد برسند. برای مقامات اقتصادی کشور که هر کدام عمری را در دامان کشورهای غربی و متمدن حیات به سر برده و با معیارهای اداره وحکومت داری آشنایی تجربی و عملی دارند و با دریافت حقوق گزاف دلاری طعم شیرین واثر گذار آن را بر حیات شخصی اجتماعی و خانوادگی خویش تجربه کرده، دریافت یک راه حل معقول برای معضلهء سردرگم معاش کارمندان دولت، گویا کاری ناممکن به نظر آمده است که این بار با طرح موضوع به گونه یی جالب از دریا آب بخشیده اند، وبا این حاتم بخشی گویا مشکل را، حل شده می پندارند. ص۵

ایجاد شورای ولایتی امکا درورد ک

شورای ولایتی اتحادیه ملی کارکنان ولایت میدان وردک روز ۲۱ جوزا ضمن برگزاری محفلی در آن ولایت ایجاد گردید. محترم خان محمد مظلوم یار به حیث رئیس این شورا معرفی گردید.

در اخیر کارت عضویت افتخاری اتحادیه به هیأت رهبری آن ولایت تفویض گردید.

پر خبر تبصره:

داروپايي اتحاديي وړانديز دافغانستان له واقعيتو سره اړخ لګوي

دازادي راديو د جوزا به "۲۶" مه وويل: د اروپايي اتحاديي دبهرنيو چارو کميشنري له اته ويشتو هيوادونوڅخه ددي اتحاديي پر۱۵ غړيو سر بيره له استراليا، چين، هند، ايران، جاپان، ماليزيا، ناروي، پاکستان، روسيه، عربستان، سنګاپور، سويس اوترکيي نه غوښتي چي دافغانستان دبيا رغوني لپاره ډيري پيسي ځانګړي کړي.

د اروپا اتحاديي دافغانستان په بياجوړونه کي له واقعياتو سره سم وړانديز کړي دي، افغانستان خو را ويجاړ شويدي اوکومي پيسي چي دلته راغلي هوا په هوا دبشري مرستو په نامه لګيدلي. که دا ومنو چي په لومړي سرکي بشري مرستو ته ډيره اړتيا وه؛ افغانستان په ګردي نړي په تيره بيا ګاونډيانو اوهغوي چي دپخواني شوروي اتحاد سيالان و، حق لري چي په بيا جوړونه کي يي اخلاقي مسووليت ادا کړي، ځکه همدا افغانستان وو، چي په خپلو فداکاريو سره يي دسره خامار خوله راټوله کړه او هغوي ني له سري بلا وژغورل يعني زمونږ ښارونه وران شول او هغوي سالم پاتي شول. زمونږ هيله ده چي د اروپايي اتحاديي دا وړانديز عملي شي او په وطن کي مو دبيارغاوني پر لور اوچت ګامونه پورته شي.

معمای ده در صد رشد اقتصادی افغانستان

ص۲

مطالب دیگر این شماره

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

پیشرفت کشور بدون اصلاحات میسرنیست

سالهای سال می شود که بیروکراسی مزمن وخطرناکی گریبان دوایر وادارات دولتی مملکت را گرفته است، ترویج این شیوهء فرتوت وتباه کننده از یکسو موجب بذر فساد اداری بی حد در میان ادارات گردیده و از سوی دیگر اعتیاد مامورین را به رشوت واختلاس به آن مرحله رسانیده است که برای راهبرد هیچ امری نمی شود، بدون پرداخت رشوت به پیش رفت.

بدون شک یکی از مظاهر بسیار کشندهء این بیروکراسی در ادارهء دولت عقب مانی است که افغانستان از این بابت سالها رنج دیده است و در طول سالهای اخیر حتی هیچ زعیم وپیشوای این مملکت نیز به آن نیندیشیده است.

اقدام اخیر آقای کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در خصوص آوردن اصلاحات در ادارات دولتی در شرایط کنونی در افغانستان پسندیده وضروری می نماید ولی ضرور این است که معلوم شود آیا این امر در کشور تحقق می یابد یاخیر؟

در حال حاضر که کشور به سوی بازسازی وثبات پیش می رود، ضرورت اجرای اصلاحات اداری قبل از هر چیز از اهمیت خاص برخوردار است. این اصلاحات اداری باید با در نظر داشت اصل اهلیت، لیاقت وتخصص انجام یابد ودر آن ضوابط بر روابط ارجحیت داده شود و به اساس ان بایست به جابجایی کادرهای متخصص، متعهد ودلسوز همت گماشت.

به باور ما در مسأله تعهد باید به اصل تعهد به منافع ملی و وحدت ملی اندیشید و آن را ملاک عمل قرار داد نه تعهدهای دیگری چون تعهد حزبی وقومی و... باید همه به حیث یک شهروند افغانی در کار احیا وبازسازی مملکت به خاطر رشد و شگوفانی آن در عرصه های مختلف سهیم وبسیج شوند.

مسألهء دیگری که در اصلاحات اداری مملکت باید به آن پرداخت مسأله زدودن تفاوت حقوق وامتیازات میان مامورین دولت واعضای کابینه است زیرا تعدادی همین اکنون با اخذ هزاران دلار معاش ماهانه از I.O.M درناز ونعمت زندگی می کنند در حالیکه معاش مامورین پائین دست دولت حتی تکافوی حد اقل احتیاجات ماهوار خانواده های شان را نمی کند. دولت باید به تقرر کادرهایی که دارای تابعیت دوگانه اند پایان بدهد؛ زیرا این امر بی اعتمادی را میان مردم ودولت کشت می کند. دولت انتقالی اسلامی افغانستان همچنان باید هر چه زود تر به تادیه حقوق وامتیازات دلاری به تعدادی از کارمندان دولت مانند اعضای کمیسیون تسوید وتدقیق قانون اساسی پایان بدهد وهم از عزل کارمندان ومسوولان موجود در دولت به مقصد جابجائی و تقرر اشخاصی که به عنوان متخصص تازه ازغرب تشریف می آورند تا فراهم شدن زمینه های اشتغال برای آن در جاهای دیگر اجتناب کند، زیرا بسیاری این برگشته گان متخصص! به خاطر پرداختن به امور بسیار ساده در غرب تخصص و مسلک خود ها را فراموش کرده اند.

زیبنده است که همچنان دولت از صورت مصرف"۱،۸" ملیارد دلار کمک کشورهای جهان به امر بازسازی افغانستان، جهت آگاهی ملت گزارش بدهد ودر پهلوی آن به هزینه گزاری خرچ دستر خوان وزراء، روساء مستقل و والیان نیز پایان بدهد، تا تفاوت حقوق وامتیازات میان مامورین وکارمندان دولت به گونهء فاحش آن، از میان برداشته شود.

تجربه دو سال گذشته نشان داده که تعداد زیادی از موسسات خارجی با پرداخت حقوق دلاری موجب جلب وجذب مامورین دولتی می گردند که این هم سبب می شود، تا دوایر وموسسات داخلی از مدرک کادر متخصص وفنی به مشکل مواجه شود. دولت بایست با وضع قوانین خاص در این مورد از تداوم این امر جلوگیری کند.

آنچه در پایان این گفتار ضروری تر می نماید این است که دولت حتماً باید به تعهدات سیاسی خود در هر زمینه پابند بوده ودر اجرای آن مصمم باشد در غیر آن گریز از این عرصه بدبینی وبی باوری را درمیان مردم وحکومت به وجود آورده ودر نتیجه کار دولت زار خواهد شد.

قانون اساسی جدید و سوال یازدهم هندسهء فضایی

فریدون اکبر

یک نقطهء کیفی را در فضا در نظر می گیریم. از این نقطهء کیفی یک مماس کیفی به یک دایرهء کیفی در فضا رسم می کنیم. دیده می شود که شعاع کیفی دایرهء کیفی در نقطهء تماس کیفی بالای مماس کیفی، عمود است.

این اولین درسی بود که از استاد هندسهء فضایی آموختیم. استاد با سر انگشتان خود، چیزهایی در فضا رسم می کرد که نقشی از آن ها باقی نمی ماند. اما چند بار چنان هم اتفاق افتاد که بعد از اشتباهی در رسامی، استاد به صورت کیفی رسم بی نشان خود را پاک می کرد و بعد به تصحیح آن می پرداخت.

روزی، استاد، تباشیری را به یک نخ بست و با استفاده از نخ و تباشیر، کوشش کرد دایره یی در هوا رسم کند که بی نتیجه ماند.

آهسته آهسته، استاد در ذهن ما شباهت هایی به شعبده باز پیدا کرد؛ زیرا قضایای بسیار مغلق و پیچیده را با طرح نمودن یک فرضیه وچند بار دستک زدن در فضا، حل می کرد و فرضیهء را ثابت می ساخت.

گاهی چنان هم واقع می شد که برای ده تا بیست دقیقه، هم صنفان ما چشم به فضای صنف می دوختند و غرق در تفکر می بودند و بعد، یک باره به مشاجره روی رسم های کیفی استاد می پرداختند. یکی از یشان از جا بر می خاست و محل کیفی در فضا را نشان داده و می گفت که اگر این زاویهء قایمهء کیفی را زاویهء حاده ترسیم کنیم ویا این مثلث قایم الزاویه را مثلث متساوی الاضلاع بسازیم، قضیه زودتر ثابت می شود و بهتر است هر قضیه یی از کوتاه ترین راه ثابت شود اما در آن محل فضا، نه زاویه یی وجود داشت و نه هم مثلثی.

آن سال گذشت و ما همه در مضمون هندسه فضایی که دیگر به شعبده بازی شهرت یافته بود، کامیاب شدیم. زیرا پارچهء امتحان ما فضای صنف بود و سندی باقی نمانده بود که استاد به اساس آن ما را ناکام کند. تنها یک نفر از صنف ما عریضهء تجدید نظر بر پارچهء امتحان را به مدیریت مکتب سپرد و چون معلوم نمی شد که پارچهء امتحان او در کدام قسمت فضای صنف، قرار دارد از تجدید نظر صرفنظر شد و استاد به خاطری که خود واداره را از جنجال اضافی نجات داده باشد، بنابر اصرار وپافشاری های نسبتاً لجوجانه، ده نمرهء اضافی به آن شاگرد بخشید و نام او را امتیاز طلب گذاشت.

با ختم دورهء مکتب، یکی از غم های بزرگی که دیگر روی شانهء ما سنگینی نمی کرد، غم هندسهء فضایی بود.

۱۷ سال را در این آسودگی سپری کردم و شاید اکثریت آن هم صنفانم نیز در این ۱۷ سال با وجود داشتن مشکلات دیگر، از غم هندسهء فضایی به دور بوده باشند.

بدبختانه حالا که قرار است سال هژدهم این آسودگی را سپری کنم، هندسهء فضایی با چهره یی دیگر، نه تنها فرا راه من و هم صنفانم که فرا راه تمام هموطنانم، سبز شده است و دیگر مدتیست باور کرده ام که پایان یافتن غم هندسه فضایی یک خوشباوری محض بوده است.

آن هندسهء فضایی که همه اشکال و تصاویر و تعبیرات و تفسیرات آن کیفی و خیالی بود، حالا نامش را گذاشته است قانون اساسی.

این هندسهء فضایی جدید، دیگر نه هفتهء سه ساعت درسی، بلکه هفته ۱۶۸ ساعت کامل به خاطر آزاری ما می پردازد.

هر نشریه یی را که می خوانم، در می یابم که برخی از هموطنان ما در یکی از ولایات به طرفداری از این هندسهء فضایی جدید، محفلی دایر نموده و پشتیباني کامل خود را از این پدیدهء کیفی، ابراز داشته اند.

در اخبار رادیو تلویزیون می شنوم که برخی دیگر از هموطنان ما در گوشهء دیگر کشور، پرسشنامه هایی را در مورد قانون اساسی کیفی و مواد کیفی آن، پاسخ داده و در پایان، حمایت کیفی خود را از طرح قانون اساسی کیفی اظهار نموده اند.

خواب شبانه ام با سبز شدن دوبارهء این موجود کیفی برهم خورده است و ساعت ها در بارهء آن می اندیشم. چند روز پیش وقتی به خواب پینکی ظهر فرو رفتم، باز هم خواب آرامی نداشتم.

کسی با لباس های سیاه در برابرم ظاهر شد، رویش را نیز با تکهء سیاهی پیچانیده بود و فقط از دو سوراخ کوچک، چشم هایش دیده می شد. بسیار ترسیده بودم، مخصوصاً از چوب درازی که در انجام آن جمجمهء کسی قرار داشت و بر پیشانی اش نوشته شده بود: آزادی!

در دست دیگرش کتابی بود و من به مشکل توانستم عنوان آن را بخوانم:

هندسهء فضایی قانون اساسی

با وجود ترسی که تمام وجود مرا فرا گرفته بود، کوشش کردم کتاب را از دستش بگیرم، ماموفق نشدم. او کتاب را به گوشه یی کشید و با صدای هیبت ناکی گفت:

همان استاد هندسهء فضایی استم و سوال یازدهم امتحان مضمون خود را طرح می کنم و تو مجبور هستی جواب بدهی، ورنه در تمام زندگی ناکام می شوی!

به ناچار پذیرفتم و شاید هم از روی ترس؛ و او پرسید:

- در مورد مادهء سوم هندسهء فضایی قانون اساسی چه نظر داری؟

- من آن را نخوانده ام و ندیده ام.

- تو آن تصاویر هندسی در فضای صنف را نیز نمی دیدی. ما می پذیرفتی. حالا هم حمایت را از مادهء سوم اعلان کن.

- و من از بس ترسیده بودم، حمایتم را نه تنها از ماده سوم که از تمام کتاب هندسهء فضایی قانون اساسی اعلان کردم.

معمای ده درصد رشد اقتصادی افغانستان

ابوبکر سبزوار

محترم حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در جلسهء رهنمودی اصلاحات اداری با استناد به گزارشي از بانک آسیایی براي توسعه فرمودند که افغانستان سال گذشته ده در صد رشد اقتصادی داشته است. البته محترم کرزی چندی قبل نیز همین موضوع را در جلساتی به مناسبت های دیگر نیز ابراز داشته بودند ولی در مطبوعات روی آن تبصره يي صورت نگرفت.

با توجه به رکودي اقتصاد که سال گذشته جهان با آن مواجه بود و این رکود هنوز هم ادامه دارد، اعلام چنین خبری در مورد کشوری چون افغانستان، برای مردمان خوشبین میتواند مایهء شادمانی و مسرت باشد اما صاحب این قلم که بدبختانه زیاد از خوش باوری بهره ندارد، به مقتضای عادت کنجکاوی که ترک آن موجب مرض است ناچار باید سوالاتی را مطرح کند.

در سال گذشته سه قدرت اقتصادی بزرگ جهان، امریکا، آلمان و ژاپن به رکود اقتصادی مواجه بودند. امریکا در سال گذشته دچار کسری بزرگ بودجه بود. هیچ کدام از این سه قدرت بزرگ اقتصادی در سال گذشته رشد اقتصادی ده در صد نداشته اند. با چنین اوضاع و احوالی آیا رشد اقتصادی ده در صد افغانستان معجزه نیست؟!

رشد اقتصادی در هر کشوری در ساده ترین تعبیر به معنی ازدیاد تولیدات داخلی شامل بلند رفتن تولیدات زراعتی و تنوع بخشیدن به تولیدات صنعتی، رشد تجارت خارجی، بلند رفتن سطح اشتغال، رشد عاید سرانه، ازدیاد سرمایه گذاری، ازدیاد ذخایر اسعاری و بلند رفتن سطح عواید دولت است. آیا دراین زمینه ها پیشرفتی صورت گرفته است؟

شکی نیست که از سقوط طالبان به بعد که جهان متوجه کمک به افغانستان گردید، تحولاتي اقتصادی در این کشور رونما گردیده ولی تحولات محسوس و ملموس را در مقایسه با سابق، ما در بخش خصوصی شاهدیم. آیا منظور از رشد اقتصادی در همین بخش است؟

آیا رشد ده درصد اقتصادی خداناخواسته از روی ازدیاد تعداد موتر های لوکس سنجیده نشده است که در خیابان های ناهموار پایتخت در حرکتند؟ خیابانهایی که دولت بعلت ضعف بنیهء اقتصادی حتی قادر به مرمت آنها نیست؟

اینها نشان از ارتقای سطح تولید و بلند بردن سطح اشتغال و کاهش فقر در کشور ندارند بلکه از فاصلهء روز افزون بین فقر و غنا در اجتماع سخن می گویند که خود آفت دیگری بر پیکر این جامعه است.

شارل بتلهایم اقتصاد دان فرانسوی که در اقتصاد کشور های عقب مانده تحقیقات باارزشی داشته است، اولویت تراکم سرمایهء ملی را شرط اصلی رشد اقتصادی در کشور های همانند افغانستان میداند. درین جا سرمایه گذاری، هم در بخش مادی و هم در بخش نیروی انسانی، در علوم، در تحقیق علمی و فنی، رشد اقتصادی شتابان را تضمین می کند.

ص۸

به کسی اجازه داده نشود که برخلاف ارزش های ملی و اسلامی...

کاروان در ساعت ۹صبح به ولسوالی خنجان رسید. همه اعضای هیأت رهبری ولایت اعم از منهدس محمد عمر والی ومصطفی خان قوماندان فرقه‌ء بغلان وخلیل خان رئیس امنیت ملی وقوماندان امنیه ورئیس معارف وقوماندان عبدالجلال باجگیری ودیگر ماموران بلند رتبه‌ء ولایت بغلان به استقبال استاد به این ولسوالی آمده بودند. اهالی ولسوالی خنجان به دو سوی جاده‌ء عمومی صف کشیده بودند. شاگردان لیسه‌ء ابو مسلم خراسانی در مقدم رهبرشان به سرود خوانی پرداختند وگلدسته هایی را نثار شان کردند.



سپس در دیدار ومصافحه باشماری از مسوولان وحاضران وپذیریش قطعه‌ء تشریفات جهت صرف ناشتا وارد کلپ خنجان شدند. محترم عبدالولی ولسوال خنجان ضمن سپاسگزاری از تشریف آوردن استاد به ولسوالی خنجان آمدن ایشان را به این خطه موجب افتخار مردمانش خواند.

مردم باجگه جهت پذیرایی استاد آمادگی بیرون از وصف گرفته بودند، دره‌ء باجگه یکی از مناظر دلبر وجذاب وطن به شمار می آید. جناب استاد نظر به اصرار بزرگان این جا وعلاقمندی شدید خودشان به این مناظر زیبا با میزبانی فرمانده عبدالجلال مشهور به جلال باجگه وهمراه با والی ودیگر بزرگان این ولایت رهسپار باجگه شدند. استاد در مسیر باجگه توسط شاگردان مکاتب نسوان متوسطه وابتدایی و دره‌ء قول ومردم شریف ومسلمان منطقه مورد استقبال گرم قرار گرفتند. در طول راه در هرجای مردم به دوطرف جاده جهت پذیرایی استاد صف کشیده بودند وشاگردان مکاتب بی صبرانه انتظار رسیدن مهمان شان را داشتند.

روز گرم وآفتابی بود. مردم باگرمی از عمق اخلاص مقدم استاد را گرامی داشتند. استاد در حالیکه جمع بزرگی از مردم آن دره حضور داشتند از مهمان نوازی واستقبال گرم آنها اظهار سپاس وامتنان نمود. استاد به ساعت ۱:۴۰ روز باکاروانی از همراهان راهی پلخمری گردیدند. منسوبان دولتی، شاگردان معارف و اهالی در کنار جاده های شهر صف بسته بودند و از مقدم استاد باگفتن خوش آمدید وسر دادن شعار ها ونعره‌ء تکبیر استقبال نمودند.

شاگردان لیسه‌ء عمرفاروق با خواندن ترانه ونثار گل مقدم استاد را گرامی داشتند. بعداً استاد در گردهمایی بزرگ مردم در مسجد جامع پلخمری اشتراک نمودند. انجنیر محمد عمر والی ولایت تشریف آوری رهبر جهاد ومقاومت را پس از سالهای طولانی جهاد ومقاومت مردم ما خیرمقدم گفته و پیروزی جهاد مردم افغانستان را ثمره‌ء خونهای هزاران شهید گلگون کفن این خطه دانست.

بعداً والی این ولایت گزارش مبسوطی وضع امنیتی واقتصادی این ولایت را ارائه داشت.

بعداً استاد ضمن سخنرانی از استقبال گرم وصمیمانه‌ء مردم اظهار امتنان نموده گفت: در جهت بازسازی کشور خود باید دست به دست هم دهیم وآنرا آباد سازیم. اگر فداکاری شما مردم شریف در جهاد ومقاومت نمی بود، امروز شاهد امنیت در کشور نمی بودیم. دشمنان با تلاش های خونین همه چیز را می خواستند از افغانستان محو سازند. ماتباید خانواده‌ء شهداء را فراموش کنیم. امانت شهداء نباید به فراموشی سپرده شود. مسوولین باید در این مورد احساس مسوولیت بکنند. دشمنان وطن ومردم ما با ایجاد تفرقه میان پشتون وتاجیک وازبک وهزاره بحران بزرگ بی اعتمادی را ایجاد نمودند واز آن برضدملت ما استفاده کردند. اما مردم افغانستان، ملت مجاهد ومسلمان ما این حقیقت را درک نموده ودر برابر دشمنان افغانستان از استقلال و آزادی وطن شان تا آخرین رمق حیات دفاع کردند. امروز دیگر اجازه داده نشود که تحت هیچ عنوانی برخلاف ارزش های ملی واسلامی ما عمل گردد.

استاد در بخش دیگری از صحبتش گفت: نظم واستحکام اداری نه تنها نیاز اداره‌ء دولتی می باشد بلکه نیاز دینی وملی ماست. تازمانی که سلسله مراتب نباشد نظم به میان نمی آید. مصلحت ملی کشور ما بالاتر از همه چیز است. محفل با دعائیه یی پایان یافت.

ساعت ۶:۳۰ همان روز استاد همراه با والی وتعدادی از بزرگان به دفتر جمعیت اسلامی رفته با جمعی از دانشمندان، اهل خبره وجوانان ملاقات وگفتگوی مختصری داشتند.

استاد در مورد گشایش دفتر جمعیت در این ولایت گفت: با گشایش دفتر جمعیت یک گام مهم در این ولایت بر داشته می شود. این دفتر تحت نام جمعیت است. جمعیت عضو خانواده‌ء جهاد ومقاومت است. آن روز دور نیست که کانون های سیاسی کشور به صورت کامل ومتعهد یک دفتر ویک منشور داشته باشند.



نسل جوان امروزی لوای پرشکوه رسیدن به افغانستان سر بلند وباعزت را حمل می کنند. آنها کوله بار عظیم از دیروز ورسالت بزرگ امروز را به دوش دارند. حماسه های فرهنگی، علمی وخدمات اجتماعی در هر زمان ارزش خاصی دارد.

دیروز حماسه بزرگ را به میان آوردیم امروز باید متحد ویکپارچه کشور خود را آباد کنیم. مابرای وصل کردن آمدیم نی برای فصل کردن آمدیم

محفل بادعائیه‌ء یی پایان یافت.

صبح روز جمعه استاد باجمعی از برادران هزاره ملاقات نمودند، آقای شیخ برهانی به نمایندگی از مردم تشریف آوری استاد را خیر مقدم گفتند. استاد پس از صحبت کوتاهی همراه با آنها به جانب پوهنتون بغلان ره بردند. در محوطه پوهنتون از طرف استادان ومحصلان با تقدیم دسته های گل استقبال شدند، خانم نفس جید به نمایندگی از استادان آمدن استاد را خیر مقدم گفته ضمن صحبتی گفت: جناب استاد خود موسس پوهنتون بغلان است که با ایجاد این پوهنتون برما منت گذاشتند، خدمات شما فراموش نخواهد شد. هر نهالی که بارور می شود به اثر توجه شماست.

بعداً استاد با تقدیر از زحمات استادان ومسوولین ولایت گفتند: ما از کمک های خارجی استقبال می کنیم. اما اگر وطن خود را خودمان آباد نکنیم، انتظار از دیگران نتیجه‌ء خوبی نخواهد داشت.

استاد مبلغ پنجاه هزار افغانی را به پوهنتون بغلان مساعدت نمودند که با اظهار قدردانی وامتنان از جانب مسوولین پوهنتون پذیرفته شد. ساعت ۹ صبح روز جمعه، استاد از شهر پلخمری به سوی بغلان مرکزی روان شدند، در مسیر راه از طرف اهالی مورد پذیرایی گرم قرار گرفتند. بعداً استاد در گردهمایی بزرگی در مسجد جامع شهرجدید اشتراک نمودند.

هربغلانی با شادمانی خاصی مقدم استاد را گرامی داشته وباگرمی وصفای قلب به سوی مسجد جامع ره گشودند تا پای صحبت عالمانه وداعیانه‌ء استاد بنشینند. استاد در صحبتش گفت: الحمد لله امروز شاهد شکست همه توطئه های دشمنان هستیم. بازگشت امنیت وباز سازی کشور به همت والای شما ملت عظیم انجام می یابد.

استاد در بخش دیگری از صحبتش گفت: انسان از هرچه بیشتر خود را دوست دارد، عقیده وآرمان خود را دوست دارد. دورانی که با سلاح می جنگیدیم گذشت. سلاح خود را باید در تشکیلات دولتی جمع کنیم. ولی هرگاه دست پلید در حریم کشور ما دراز شود به آن اجازه مداخله نخواهیم داد. مزاج یک افغان مزاج یک شاهین است. دنباله روی وغلامی را قبول ندارد. استاد در مورد تامین وحدت ملی گفتند: ما نیاز به وحدت ملی داریم. اساس وحدت ملی ما را اسلام تشکیل میدهد.

بعداً شاگردان لیسه‌ء جمعیت اسلامی ترانه‌ء قاید افغان خوش آمدی،
ای رهبر ملت پرور دوران خوش آمدی
را زمزمه کردند.

ساعت ۱:۳۰ روز استاد رهسپار نهرین گردید. مردم شهر با انتظار زیاد از رهبرجهاد ومقاومت استقبال نمودند. استاد نماز جمعه را یکجا باسایر نماز گزاران ادا نمودند. ولسوال نهرین تشریف آوری استاد را خیر مقدم عرض نموده از مصیب ویرانی زلزله در این شهر و ویرانه های باقیمانده آن یاد آوری نموده توجه مقامات دولتی را در امر به سر رسانیدن تعهدات شان خواهان گردید.

استاد خطاب به مستقبلینی که ساعت ها در زیر آفتاب سوزان انتظار شان را برده بودند، گفت: در این شهر آثار زلزله به نظر می رسد. بسیاری از عزیزان شما جام شهادت نوشیدند ودر جمع مانیستند.

استاد مبلغ پنجصد هزار افغانی را جهت ترمیم مدرسه‌ء مرکزی وکمک به خانواده های آسیب دیده مساعدت نمودند.

بعداً استاد در مرکز قومانداني غند نهرین با تعدادی از قوماندانان ومجاهدان دیدار نموده ضمن صحبتی از تلاش والی ولایت وسایر همکاران در جهت بازسازی وتأمین امنیت به قدر دانی یاد آوری نمودند.

در اخیر مولانا فضل احمد قوماندان غند نهرین از تشریف آوری استاد وصحبت داعیانه وهدایات مشخص شان مراتب سپاس خود وهمکاران خویش را ابراز نمود. شب همان روز استاد در ضیافتی در فرقه‌ء بغلان اشتراک نمودند.

روز شنبه استاد با هیأت معیتی شان ولایت بغلان را به قصد کابل ترک گفتند. تعدادی از بزرگان و فرماندهان جهادی استاد را تا دامنه های سالنگ بدرقه نمودند. حوالی ساعت ۲ استاد با هیآت همراهان مع الخیر وارد کابل شدند.



سیمین بهبهانی

شراب نور

ستاره دیده فروبست وآرمید، بیا.
شراب نور به رگهای شب دوید، بیا.
زبس به دامن شب اشک انتظارم ریخت،
گل سپیده شگفت وسحردمید، بیا.
شهاب یادتودر آسمان خاطرمن
پیاپی ازهمه سرخط زرکشید، بیا.
زبس نشستم وباشب حدیث غم گفتم،
زغصه زنگ من ورنگ شب پرید، بیا.
به وقت مرگم اگرتازه می کنی دیدار،
به هوش باش که هنگام آن رسید، بیا.
به گامهای کسان می برم گمان که تویی؛
دلم زسینه برون شد زبس تپید، بیا.
نیامدی که فلک خوشه خوشه پروین داشت،
کنون که دست سحردانه دانه چید، بیا.
امید خاطرسیمین دلشکسته تویی؛
مرامخواه ازین بیش ناامید، بیا؛

محمد بشیر رحیمی

آتش دربغل

به حرف آورده بودم زخم آتش بستر خودرا
که بسطی داده باشم درد دامن گستر خود را
به آتش می فروشد جنگل احساس من امروز
دراین بازارگرم دردها خشک وتر خودرا
همان تیغی که دزدیده است دست از آستین من
برایش هدیه خواهم داد دست دیگر خود را
بیابان دامن آهم، جنون- اما- نمی دزدد
از این صحرای آتش در بغل، پای سرخودرا
برنگ ناله چندین، کوچه نی طی کردم وبردم
شبی ازخلوت آباد صدازنگ کرخودرا

سرم بربالش زانوی سنگربود ومی دیدم
دعای دسته دسته مستجاب مادر خودرا
غزل رادر بیابان می برم زیرانمی خواهم
مشوش کرده باشم باز، ذهن دفتر خود را

"کله چی ته خپه شی" از چاپ برآمد



کلـه چـی تـه خـپه شی" از چاپ برآمد:

"کله چی ته خپه شی" مجموعـهء یـی از اشـعار عـــبدالغفور لـــیوال از شـاعران جـوان افغانسـتان در زبـان پشتوسـت کـه به تازگی از سوی انتشارات میوند به چاپ رسیده است این مجموعه که در برگیرنده "۴۲" پارچه شعر در قالب های آزاد کلاسیک وسپید است با دیباچهء کوتاه به قلم خود شاعر آغاز می شود و بایک شعر در قالب چار پاره به پایان می رسد.

عبدالغفور لیوال از شاعران توانای کشور عزیز ماست که به زبان پشتو شعر می سراید ودر شرایط کنونی از جملهء چند چهره شاخص وبرازندهء شعر پشتو می باشد که زبان شسته وجذاب دارد وشعرهایش بازتاب دهندهء دردی است که جامعهء امروزی افغانستان را درسه دههء اخیر آزرده است.

لیوال به قول خودش از شعارهای زنده باد و مرده باد متداول امروزین متنفر است وخواسته در شبها وروزهای سی سالگی اش قصیدهء عاشقانه اش را پخته کند.

او درحالیکه به عزیز زندگی اش،"زندگی" و"عشق" می بیند مصمم است یکی را نابود کند وبه آغوش آن دیگر پناه ببرد واز همین روی است که باسرایش شعر"کله چی ته خپه شی" به عشق پناه می برد ودر آنجا به جمع آوری پاره های تن غرورش می پردازد.

لیوال در **"غوبشتنه اومینه"** تصویر یک شام زیبا را می آورد ودر آن لحظات عاشقانه یی را

نږدې مابنام دې سیند ارام بهیږي
چوپتیا خوره ده زه خواشیني یمه ډیر خواشیني
خوته ارامه او موسکا پر شونډو
یو سندره څو رنګیني لنډې
د باد شپیلي او داوبو شرها
ته رانه تاوه شي را تاوه شي پر مخ مي ښکل کړې

خوانش یکبارهء مجموعه "کله چی ته خپه شی" نشان می دهد که لیوال با توانمندی خاصی تصویرگر لحظه های عمر"۳۰" ساله خود شده اشت والحق که توانسته است زندگی اش را وزندگی وطنش را در این مجموعه خوب تصویر کند

لیوال قدرت به کار گیری هر واژه ، تعبییر وحتی افسانه وقصه یی را در شعر دارد در شعر زیبای"تګوکه" فکاهی مشهوری را می آورد وآن را با حالات و اوضاع وطنش ممزوج می کند والحق که زیباهم به انجام این کار توفیق می یابد.

لیوال از ادبیات کلاسیک زبان پشتو و ازخوبی های زبان پشتو نیز بهرهء وافر برده است. زبانش گیرا و دلنشین و وسیع است وشعرش گویای درد مردم وملتش.

" مخه ښه" "منظومي" ، ژړا، اور، مینه. (مجموعهء اشعار)، هوسی "منظومه، ارشاک او اوشاش (**منظومه**) **د وربښمو تول** (نقدی بر جریان شعر معاصر پشتو) و"دماشومانو سندری او لوبی" "در بارهء ادبیات کودک" آثار دیگر لیوال اند که تا اکنون اقبال چاپ یافته است.

لیوال شاعر، نویسنده ومنتقد خوبی است از اوصاف بلند والای لیوال و اخلاق نیک و وسعت بینش او است که هیچگاه او را ترک نمی کند.

تصویر می کند که لاجرم هر خواننده یی را که از جوانی گذشته است به یاد آن لحظات شاد می برد... تاشوق جوانی کند:

برای لیوال طول عمر وموفقیت مزید برای خدمت به زبان و ادبیات مردم کشور عزیزمانفغانستان آرزو می کنم. اینک شعر بلند از این دفتر را برای خوانندگان بر می گزینیم.

نړي

زه یوعجیب جهان کي ژوند تیروم
ختیځ ویده دي
ختیځ هیڅ د وینښا به په مانا نه پوهیږي
لویدیځ د ښکلیو وحشتونو طلایي تاپو دي
او افریقا یوازي ایډس، لوږه او مرګ پيژني
لویدیځ دعقل دښیښو ماڼي له ستورو څخه دنګي ساتي
خوپه دي نه پوهیږي
چي له بچي سره دمور عاطفه څه خوند لري
ختیځ د پاکو احساساتو لوي ساتول راخیستي
او دخپل عقل شارګونه پري کوي دعقیدي په نامه
ختیځ ته مرګ دانسان
دښتو مچیو له وژلونه اسانه ښکاري
دیموکراسي هغه زانګو ده چي لویدیځ یي زنګوي
په قهر جنو لاسو
او دانسان د ازادي ماشوم له ویري په کي ساه ورکوي
لویدیځ ولاړ دي دبشر دحق تیره توره یي لاس کي ریږدي
او په ختیځ کي دعراق او فلسطین له اور میږه
سره خبري کوي
خو دعربو شیخان
یو دبل پټي دوسیي
لکه د تیلو د بوشکو په شان لویدیځ ته سپاري
ختیځ لا اوس هم ښکاوه دخپل زاړه کولتور په سر اړوي
او چي خماري سترګي وځمبوي
په بي خودي کي له ریشخنده وایي:
"باید دښځو حقوق وګتل شي!"
هند لا ښګال کي په لکونو جادوګر لري
جوګیان یي په اوبو کي ناست وي
او افغانان لاهم سپوږمي ته دانسان ور رسیدل نه مني
چین وارخطا دي، چي نفوس یي له خاوریني
ځمکي تویي نه شي
ختیځ ریښتیا هم دنړي موزیم دي
ختیځ کي خلك د انسان په قدر نه پوهیږي

خو په لویدیځ کي دحیوان درناوي دومره ډیر دي
چي ښکلي نجوني له اسونو سره شپي تیروي
نور په لویدیځ کي اپارتاید ورك شوي
ځکه چي سپیني نجوني
له تور پوستکو نارینه وو سره مینه کوي
شرق لا براتوار دي دغربي پوهانو
کومه وسله څومره وراني پیښوي!!
چي شرقیان یو په بل زړوته تش کړي
بیا بشر پاله لویدیځوال ورباندي زړه سوځوي
چي جګړه مه کوئ
جګړه بده ده
زه یو عجیب جهان کي ژوند تیروم
زه دختیځ له غابنو کرګه لرم
چي یو انسان یي بل انسان ته چیچي
زه دلویدیځ له ښیښه یي ماڼیو کرکه لرم
چي کمپیوتر په کي دوږیو ماشومانو له کولمو څخه
نغمه د"دومینون" خپروي
زه یوعجیب انسان یم
او په عجیب جهان کي ژوند تیروم
دهیڅ چانه خوښیږم
لویدیځ مي بولي بدوي او وروسته پاتي حیوان
ځکه تر اوسه هم ماشین نه یم احساس لرمه
اوختیځ وال مي بي همته او ډارن بولي
د دي لپاره چي د مړیو د نڅا له ننداري څخه خوند
نه اخلمه
زه یوعجیب انسان یم
او په عجیب جهان کي ژوند تیروم
په داسي لوي جهان کي
یوازي یو انسان
یوه نجلي
یوه لیوني

ماسره مینه لري
خو زه عجیب او ناتوانه انسان
دومره وس نه لرم چي
دهغي لاس ونیسم
او له دي تور او سپین جهان
څخه یي لري بوځم

۴حمل ۱۳۸۲

ادبیات ملی و پروسهء جهانی شدن

قسمت دوم

قسمت اول این بحث در شمارهء (۲۵) به چاپ رسیده بود.

عبدالعلی کوهی
استاد فاکولتهء ادبیات دانشگاه کابل

ادبیات ملی باید جایگاه خود را در جنب ادبیات جهان پیدانماید، ادبیات ملی، نه تنها بربناها ودست آورد هـای جـاویدان ادب ملـی ما استوار است، بلکه این ادب خشتی ازسـنگ بنای جهان ادبیات را می سازد.

بـه همیـن مـنظور هـرقدر ادبـیات در سطح جهانی خود رشد وتکـامل را بپذیرد به همان پیمانه برنـردبان پیشرفت دست می یازد. در اثرتـبادل فکـری، هـنری در ادب، ونقـد وبررسی آن، ادب ملی بـه نضـج وپختگـی وتکامل خود توفـیق می یابد طوری که نتیجهء عصرنهضـت در اروپـا راهمانـا مـراجعه بـه ادب یونـان و روم تشـکیل مـی دهد، برای اولین بار در قـرنهای پانـزده وشـانزده اهل خـبره ورجـال چیزفهم در اروپا به ادبـیات قدیـم یونان وروم ازطریق تـرجمه دسـت یـازیدند ودسـت آوردهـای فکـری وادبـی آنـرا به زبانهـــای اروپایـــی برگـــردان واصـطلاح کلاسیک را بالای آن گذاشـتند، طوری که آثار ارسطوبه خصـوص فـن شـعر وخطابـه را انجـیل کلاسـیک هـا خواندنـد وتقلـید ومحاکـات را از آن جایـز شـمردند وفـن درامـه، تـراژیدی وکمـیدی را بــه پـیروی از ادب یونـان در اروپـا رواج دادنـد، بـاید اذعـان داشـت کـه ایـن کار یک ضـرورت ادبـیات غـرب بود تا راه پیشـرفت را طـی نماید، باید گفت کـه راه یافتـن داسـتان وقصـه از طـریق تـرجمه به کشور ما راه باز نمـود. طـوری کـه محمود طرزی یکـی از داعـیان مشـروطیت در افغانسـتان مـردم را در جـریان حـوادث بـه خصـوص ترکیه قرار مـی داد ومسـایل وقضـایای اجتماعـی، سیاسی وادبی را ترجمه میـنمود ودر سـراج الاخـبار بـه نشـرمی سـپرد. همیـنگونه ادب عربی در عصر عباسی به پیشروی وارتقاء آغاز کرد، شعرصور مختلف را بـه خـود گرفت- قضایای مهم اجتماعی وادبی داخل حوزه ادبیات وشـعرگردید- شـعر وادب عباسی هـا ازسـایر زبانهـا وفرهنگها تاثیر پذیرفـت، طـوری که تاثیر پذیری ایـن فرهـنگ، از ادب فارسـی- دری خراسـانیان، هـند ویونـان چشمگیراست.

یکـی از راههایـیکه ادبـیات ملـی راه خـود را بـه سوی ادبیات جهـان بـازنموده اسـت همانـا اسـطوره، قصـص وحکایات بومی ملتهاسـت، خرافه، حکایت به زبان حـیوانات، تکلـم جمـادات واشـاره هـای تاریخـی آن در اسـاطیر وخرافه های تمام ملتها پس منظر خـاص داشته است که تکامل این خـرافه هـا، جوانه های بعدی هنر وادبـیات کشـورها را مـی سـازد. جاسـتون بـاری مـی گویـد: ایـن خـرافه ها سنگ بنای اولین ادب، کلـتور، وخواسـته هـا وگرایشهای مـردم را به وجود می آورد، خرافه، حکایـات اسـطوره یـی بـه شکل فطـری وابتدایـی در بیـن جوامـع بشـری بـه وجود آمده وراه تکامل را در تـاریخ هـنر وفرهـنگ ملتها پـیموده اسـت کـه در مجمـوع، فرهـنگ جوامـع در قـبال ایـن تحـولات بـه پختگـی وقـوام انجامـیده اسـت. ایـن جوانـه هـا، یعنـی حکایات وخرافه ها به زبان حـیوانات در ادبیات شرق به وجود آمـده اسـت کـه بعدهـا محـتوی ومضـمون ایـن خـرافه در ادبیات غـرب راه یافـته وتـا اروپای امروز نفـوذ نموده است که مظاهر آن را قـبل ازهمـه در ادبـیات فرانسـه مشـاهده کرده می توانیم- ادبیات فولکلـوری فرانسـه در عصـرمیانه مملـو ازچنیـن حکایـات بـه زبان حـیوانات اسـت کـه بـنام«فابلیو» شـهرت یافـته اسـت کـه مسایل وموضـوعات مهـم آن را مسـایل اخلاقـی- تعلیمـی واجتماعـی تشـکیل مـی دهـد- اکثریت این خـرافه هـا بـه قـول عـده یـی از دانشـمندان از آداب شـرقی ریشه گرفـته اسـت، چـون هنر وادبیات مـرز واحـد را نمـی شناسد، از مرز عـبور میـنماید وبـه ملـتها وآداب دیگـر وفرهـنگ های دیگری می پـیوندد ودر رویـش تکـامل ادبـی وهـنری جهان شرکت می جویند، نمونـه بـارز انـتقال خرافه از شرق بـه غـرب همان حکایات به زبان حیوانات است که ازشرق به غرب راه یافـته اسـت. کـتاب «کلـیله ودمنه» از هندی به پهلوی ترجمه گـردید وبـه مرور زمان راه خود را ازطـریق تـرجمه فارسی- دری به ادبیات فرانسوی بازنمود که نمونه های برجسته آنرا می توان در آثار لافونتیـن فرانسـوی ملاحظه کرد کـه بـه حدقـابل ملاحظـه از این کتاب متأثر بوده است.

ادامه دارد

دافغان جریدي په دویمه ګڼه کې دافغانستان دجمعیت اسلامي له مشر محترم استاد رباني څخه پوښتنه شوي وه چي په تیرو ۲۴ کلونو کې زموږ دخپلو ګاونډیانو دلاس وهنو له امله زموږ ملي وحدت ته زیات تاوان رسیدلی، اوس څنګه کولای شو چي پدغو ټپونو باندي ملهم کیږدو او زموږ ملي وحدت لکه څنګه چي لازم دي مینځ ته راشي، دوي ددغي پوښتني په ځواب کې ویلي دي: "پدي که شك نشته چي تحمیلي جګړو زموږ په ملي وحدت

ازادي او دیموکراسي دډښمنانو په لمسون پخپله دافغانانو ترمنځ دکورنیو جګړو له امله له مینځه لاړي او ورسره یو ځاي دورور وژني او خانخاني سرطاني تخم وشیندل شو او هغه سره وروڼه قومونه چي ټول عمر یې ګډ او پټمن ژوند کړي وُ یو دبل په وړاندي ددښمنۍ او بد بینۍ دګرته راوویستل شول چي پایله یې دټول هیواد بربادي او دجهاد دسترو بریاوُ کمزوري کول او دجهادي شخصیتونو په وړاندي دملت بي باوري او زموږ دتاریخي قسم خورو

سر ته ورسیږي نو همدا وجهه ده چي داسلامي جمعیت محترم مشر دخپل جهاد او سیاسي ژوند دتجربو له مخي ددغي رنځوري ټولني دعلاج او درملني له پاره دملي وحدت په اصل باندي تل ټینګار کړي او دهمدغه سپیڅلي هدف د تحقق په خاطر یي دهیواد یو شمیر جنوبي او لویدیځو ولایتونو ته سفرونه وکړل او دهیواد دملي ګټو او ملي مصالحو دتامین په خاطر یي خلکو ته دملي یووالي، ګډي همکاري او نیك تفاهم بلنه ورکړه.

ش-الماس

ملي وحدت دټولو ستونزو دحل کیلي ده

باندي ناوړه اغیزي کړي او حرصناکو بیګانه ګانو تل هڅه کړي او کوي یي چي دافغانستان وروڼه ملیتونه یو دبل په وړاندي ودروي خو دافغانانو دیني، فرهنګي، تاریخي او هیوادني اړیکي له هغه نه ډیر پیاوړي دي چي دوي تل دتوطئو ښکار شي".

دوي همدارنګه ددغه پوښتني په ځواب کې پدي باندي هم رڼا اچولي چي په اوسنیو حالاتو کې دټولو هیواد دوستو او مومنو هیوادوالو غوښتنه داده چي دتیرو دریو لسیزو پیښي له یاده وباسي او یو ځل بیا دورونو په څیر دخپلواك، ازاد او سرلوړي افغانستان په جوړولو کې یو بل ته لاس ورکړي ځکه دملي وحدت پرته موږ نشو کولای چي یو ثبات لرونکي حکومت ولرو او یا دبیارغاوني رغنده خوځښت پیل کړو.

موږ دهیواد پدغه تاریخي پړاوکي چي زموږ ټوله مادي او معنوي شتمني لومړي دوخت دشوروي سوسیالستي جمهوریتونو اتحاد دمستقیم تجاوز او بیا وروسته زموږ دهیواد دځمکني بشپړتیا، دښمنانو په وړاندي زموږ احتیاج او کمزوري شوه او دا زموږ دملي یووالي او دمرکزي دولت دکمزورتیا له پاره ستره توطئه وه چي محترم استاد ورته په خپلو خبرو کې څوځو ځله اشاره کړي ده.

په هیواد کې ددغو مسلطو ناوړه شرایطو دله مینځه وړلو په لار کې تر هغه وخت پوري چي دورونو قومونو ترمنځ دملي یووالي، حسن تفاهم او دورور ګلوېزو اړیکو مزي ټینګ نشي تر هغي پوري به زموږ د خلکو د درویشت کلنو جګړو ژور ټپونه او اوږده رنځونه هماغسي ناعلاجه پاتي وي.

دامسه ده چي له نږدي یو کال را پدي خوا دهیواد دملي وثیقي یعني اساسي قانون دجوړولو له پاره کار روان دي خو موږ پدي باوري یوو چي که دغه اساسي قانون نافذ هم شي خو که په هیواد کې اوسني ملوك الطوایفي، فدرال غوښتني، وسله وال زور زیاتي او دشمال او جنوب په نامه دهیواد ددښمنانو توطې دوام ولري نو بیا به هم نه سوله او ثبات راشي او نه به دبیا رغاوني مشر اوګټور کارونه

موږ همدا اوس په خپل هیواد کې په عامه توګه او دهیواد په جنوبي او ختیځو سیمو کي په خاصه توګه دخپلو بهرنیو دښمنانو دروانو توطئو شاهد یوو چي وخت په وخت زموږ دغو پولو ته تروریستان او دالقاعده زهر داره ماران رالیږل کیږي او زموږ دخلکو سوله او ارامي له خطر او ګواښ سره مخامخ کیږي او یا دا چي زموږ دبیا رغاونې، سراسري سوکالۍ او نیکمرغۍ دګډو ډولو په خاطر اوس هم یو شمیر ځان پلورنکي په پیسو اخلي او دځان وژني له پاره یي زموږ هیواد ته رااستوي نو پدغو شان شرایطو کې موږ باید دخپل سالم درک له مخي او دلوړو هیوادنیو ګټو دتامین په خاطر پخپلو کې دیووالي او ورورۍ لاسونه ورکړو او خپل دغه شریك کور چي دپردیو دتوطئو قرباني شویدي په ګډو هلو ځلو سره جوړ کړو او ددغه سپیڅلي هدف دتر سره کیدو له پاره یواځیني اصل او روښانه لاره دملي یووالي تحقق او دخپل ګډ دښمن په وړاندي پر له پسي مبارزه او سربښنده ده او بس.

وزیر مالیهٔ کشور...

آقای اشرف غنی احمد زی که هنگام تصویب خرچ دسترخوان وزرا و سایر اراکین دولتی حتا خمی بر ابرو نمی آورد اما پیوسته سنگ رد برسینهٔ مامورین دولت می کوبد، در پاسخ به عده یی از پرسندگان در ولایت قندهار ناگهان طرح جالبی ارایهٔ می دهد:

کارمندان و روسای امور ولایت قندهار به آقای وزیر امور مالی گفتند: کم بودن معاش مامورین سبب مراجعه آن ها به موسسات خارجی گردیده در نتیجه دولت از کادرهای مجرب خویش محروم می گردد. واضافه می کنند که این جریان دستگاه دولتی را فلج خواهد کرد.

اما پاسخ وزیر مالیه چنان است که گویی آقای براهیمی نماینده سازمان ملل معاون وزیر مالیه یا یک کارمند دولت افغانستان بوده باشد:

«من با آقای براهیمی صحبت می کنم تا معاشات کادرهای مجرب از طریق دفتر ملل متحد اجرا گردد ولی آن ها در ادارات دولتی اجرای وظیفه کنند» به این چنین موارد است که می گویند:

خرچ اگر از کیسهٔ مهمان بود
حاتم طایی شدن آسان بود

آقای وزیر! شما گفتید و آقای براهیمی هم قبول کرد و مردم ساده لوحی هم به این لک بخشی شما دلخوش کردند.

اما آیا این جواب شما واقعاً با تفکر و دقت قبلی همراه بوده است یا فقط به این وسیله خواستید از شر بحث با عده یی آدم سخت گیر در امان بمانید؟

از آدم تحصیل یافته و مجربی چون شما بعید است این گونه در باد هوا مشت زدن و آب درهاون کوبیدن!

در کجای دنیا چنین امری معمول بوده است که سازمان ملل باید معاش کارمندان یک دولت را تادیه کند، آن هم به فرمایش یک وزیر مالیه که برای تکافوی مصارف بودجوی دولت متبوعش دست نگر است به معنای واقعی کلمه. آیا این فرمایش شما جهت عملی هم دارد؟

آقای وزیر برنامه روزانهٔ مالی شما چه بخواهید و چه نخواهید در جهت خلاف منافع دولتی سیر می کند و دیر نخواهد بود روزی که دولت افغانستان به وسیلهٔ انجوها به ضعف و سقوط کامل مواجه گردد، در صورتی که شما برای مدت طولانی کار گذار امور مالی کشور بوده باشید.

چه ضرورتی دارد که سازمان ملل به این درخواست ناسنجیدهٔ شما جامهٔ عمل بپوشاند.

چرا نباید سازمان ملل از طریق کنترل انجو ها و هم آهنگ ساختن کار آن ها با برنامه های روزمره دولتی به تقویت دستگاه دولت پرداخته و با تعقیب سیاست حمایت مستقیم مالی از دولت وجوه لازم به نام امداد به مردم افغانستان را در اختیار حکومت قرار دهد تاهم معاش کارمندان دولت ازدیاد قابل ملاحظه داشته باشد و هم نقش سازمان ملل در امر تقویت و حمایه از دولت مرکزی موثریت لازم کسب کند.

همچنان این نیز قابل گفتن است که نظارت همه جانبهٔ سازمان ملل بر امور مالی دولت مرکزی سبب خواهد شد، تا سیاست چندگانه وچند پهلوی مالی شما که برمبنای آن در یک دستگاه دولتی واحد، پرداخت معاش با چندین نورم متفاوت اجرا می گردد، دارای شفافیت لازم باشد و با اصول واحد و سراسری در کشور به مرحلهٔ اجرا در آید.

ولی باوجود این تصور پر دغدغه این است که

آیا گوش شنوایی وجود دارد!؟

از یادداشت های عبدالمجید زابلی به ویرایش وحید مژده

قانون اساسی

قسمت دوم

دموکراسی وشورا

بعد از گذشت چهار سال تجربهٔ به اصطلاح دموکراسی و دست آوردهای حاصله از آن، زمان آن است که چند سوال ذیل مورد بحث قرار گیرد:

آیا قانون اساسی جدید خواهد توانست مملکت را به سوی آرامی و پیشرفت سوق دهد ویا این که برعکس سیر قهقرایی را تشدید می کند؟

آیا قانون اساسی، مملکت را به سوی استقرار و به وجود آوردن یک بنیاد مستحکم رهبری می کند که بر آن اساس بتواند نظامی را ایجاد کرد که حاصل آن وحدت ملی، آزادی و استقلال سیاسی و اقتصادی واصلاحات اداری باشد و با ایجاد یک تحرک پرشتاب موجب رشد سیاسی و اجتماعی در کشور گردد که حاصل آن رفاه اقتصادی و پیشرفت اقتصادی در کشور باشد یا این که قانون اساسی جدید خود موجب بی سروسامانی ها و انارشی موجود گردیده است؟

در مقابل سوالات فوق نظرات مختلف و متعددی وجود دارد:

نباید انارشی موجود را صد در صد ناشی از قانون دانست زیرا همانگونه که قانون زادهٔ تفکر و تجارب و مطالعات علمی است، موجودیت آن برای ادارهٔ بهتر جامعه و رشد سیاسی و اجتماعی، اداری و قضایی اهمیتی بی نیاز از توضیح و تشریح دارد ولی به این نکته باید به دقت متوجه بود که اجراء و تطبیق قانون مشکل تر از وضع قانون می باشد که برای عملی شدن نیازمند زمینه های مساعد و افراد با دانش و با دقت است که قدرت فهم قانون و توانمندی اجرا و تطبیق آن را داشته باشند.

از طرف دیگر جامعه باید به آن حد از رشد لازم فکری رسیده باشد که در ایشان فهم قانون و لزوم اطاعت و حمایت از قانون موجود باشد. همچنان در دستگاه مقننه واجرائیه وقضائیه باید کادرهای مورد نیاز متشکل از اشخاص پاک نفس و کار فهم به حد مورد نیاز وجود داشته باشد (این کار میسر نیست مگر این که قوای مادی و معنوی به حد رفع نیاز کادرها و مامورین بلند رتبه باشد که به کار گماشته شدگان از طرف دولت برای رفع احتیاج خویش مجبور به سؤ استفادهٔ مادی از مقام خود نگردند).

با موجودیت چنین شرایط است که قانون به ثمر و نتیجهٔ مثبت می رسد. در غیر آن حاصلی جز بی قانونی و انارشی ندارد.

با توجه به مطالبی که ذکر شد اکنون باید دید که آیا چنان شرایط در کشور ما وجود دارد یا خیر؟ من گمان نمی کنم که کسی بتواند ادعا کند که چنین شرایط در کشور ما موجود است.

در قلت کادرهایی که بتواند قانون را به صورت بی طرفانه و مجرد مورد تعمیل و تطبیق قرار دهند جای تردید نیست. در این رابطه وضع و حالت قضات ما با قضات کشوری که قانون اساسی خویش را از آن ها اقتباس کرده ایم مقایسه شود. ضعف دوایر مقننه و اجرائیهٔ ما نیز به این نقیصه علاوه می شود.

این نکته قابل دقت است که آیا مراجع مربوط در کشور ما تا چه حد با مفهوم و روحیهٔ قانونی که توسط قانوندانان جمهوریت فرانسه برای آن کشور تدوین گردیده و ما در آن تصرفاتی نموده ایم، پی می برند و از آن چه برداشتی دارند؟

اگر هدف و مرام رعایت قانون که عبارت از پیشرفت مملکت و نظام بهتر اجتماعی می باشد در بین می بود و کادرهای ورزیده و در عین حال بی طرف به اندازهٔ کافی وجود می داشت، کارشکنی ها و مداخلات در امور، دیگر موجود نمی بود.

به عنوان مثال: کدام قانون به شورا این حق را داده است که در پروگرام تدریسی موسسات تعلیمی مداخله کند و معیار کامیابی امتحان کانکور را به ۴۵ نمره تنزیل دهد که نتیجهٔ آن پایین آمدن سویه علمی در کشور است؟ این اقدام شورا را چگونه می توان تعبیر کرد؟

آیا این شورا در مدت چهار سال قوانین فرعی را وضع نمود و قدم اولی را در تقویهٔ دموکراسی برداشت؟ نه! زیرا چنین بصیرت، دانش و امانتداری را واجد نبود.

البته قوهٔ اجرائیه را نیز نباید در سه کابینه بی عیب دانست ولی اصل موضوع در این است که اگر بین قوای ثلاثه همفکری و همکاری موجود می بود عوض این که خود ومملکت را به سوی هرج ومرج و بی نظمی بکشانند، یا هم راه اشتراک مساعی را در پیش می گرفتند، در اصلاح نواقص همدیگر می کوشیدند و همه با هدف واحد در پیشرفت کشور تشریک مساعی می نمودند، دموکراسی قوام می یافت. در آن صورت ادارهٔ مملکت بدین منوال نمی بود.

در کشوری که رای دهندگان رای خود را به نمایندهٔ خودمی فروشند، چگونه ... پیشرفت دموکراسی را انتظار

... باید اذعان نمود که بخش مهم ... مرج موجوده، زادهٔ ضعف قوهٔ فهم ... فقدان وحدت و هدف ملی، ... فکار عامه و پایین بودن سطح رشد اجتماعی ملت ودست اندرکاران امور دولتی در ... با سطح وسویهٔ قانون می باشد.

قرائت جنبش های اسلامی ازدموکراسی

قسمت دوم

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

این بحث "قرائت جنبش های اسلامی از دموکراسی" قبل از تحول کنونی کشور از طریق مجله "امت" تشریه علمی - فرهنگی - سیاسی جمعیت اسلامی افغانستان در ایران به نشر رسیده بوداکنون که بازار مقوله های از این طراز بیشتر از پیش گرم بوده، خواستیم بار دیگر آن را از طریق جریده مجاهد به نشر رسانیم تا روشنی باشد برای آن حلقه هایی وگروه هایی که هر گروه و شخصی را در قیاس به خود مورد ارزیابی و قضاوت قرار می دهند، نا آگاه از این که فرقی است بس شگرف میان آنانی که پدیده های اجتماعی و سیاسی و تجارب بشری را در روشنایی مبادی و اصول علمی می پذیرند، نه این که کار گردانان اجواء حاکم مسیر شان را تعیین نمایند.

در تاریخ جدید ایران هم نمونه های چنین عملی وجود دارد، زمانی که شاه ایران محمدعلی پسرمظفرالدین قاجاری "۱۹۰۷" تصمیم رویارویی بانهضت ملی را اتخاذ نمود، این شایعه را به راه انداخت که این قانون درخواست شده ازطرف نهضت ملی باشریعت درتضاد است، زیراقانونی است، وضعی وغربی، استناد او هم دراین ادعایش فتوای یکی ازفقها یعنی همان شیخ فضل الله نوری است که نظام قانونی را به خاطرقانونی بودن آن، مخالف اسلام ودرتضاد باوی معرفی نموده است.

آن گاه که خلافت اسلام در ۱۹۲۴" ملغی اعلان گردید وکمال اتاترک خویشتن را به حیث رئیس دولت لائیک ترکیه اعلان نمود، شاه رضاخان بابهره گیری از این فرصت برای تحکیم پایه های حکمروایی خود، ادعای تضاد نظام جمهوری بااسلام را به راه انداخته واستدلال نمود که همین گروه که افکارغرب"کافر" را انتقال دادند منصب خلافت را ملغی اعلان نموده وبه عوض آن نظام جمهوری را برپانمود. وشاید شگفت انگیزترین بهره جویی ازاین بدگمانی نهفته درذهنیت وخاطره مسلمانان آن باشد که"احمدشامی" یکی ازسیاستمداران یمنی در یادداشت های خود پیرامون انقلاب۱۹۴۸ تسجیل وثبت نموده است که شخصاً درآن انقلاب برضد امام یحیی متوکل شرکت نموده بود. این انقلاب ناکام دربیانیه های اول خود ازمردم دعوت به عمل آورد که دربرپایی یک حکومت قانونی شرکت ورزند.

در روزهای نخستین مقاومت انقلاب، امام احمد در ضمن یک پیام خود ازشیوخ ونمایندگان قبایل یمن دعوت به عمل آورد که به پا خیزند، دربخشی ازاین پیام آمده بود:"آیا باعث خشنودی شما خواهد شد که امام شهید، یحیی وفرزندان او کشته شوند، حکم قانون جایگزین شریعت خداگردد، جای قرآن کتاب خداوند راقانون گیرد ویمن به نصاری فروخته شود؟".

کلمه قانون یادستور در آن وقت درتضادبا قرآن مورد شناسایی قرار گرفته، وشهرت بد آن در آن حد رسیده بود که ازکسی پرسیده شد: معنای قانون چیست؟

او درپاسخ- بنا به روایت احمدشامی- گفت: هیچ چیزازتونیست وتومالک چیزی نمی باشی، نه خانه، نه دین، نه زن!

به همین مضمون داستان مشهوری درمصر به روایت گرفته می شود که"احمدلطفی پاشا" خود را در انتخابات جمعیت تأسیسی مصر"مجلس سنا" بااتکابراصول دموکراسی، که پیش ازجنگ عمومی اول دایر گردیده بود، ازاستان"دهقلیه" کاندید کرد، زمانی که رقیب ویاحریف انتخاباتی اوخواست تبلیغات او راخنثی سازد، چنین شایعه ای را پخش کرد که دموکراسی که"لطفی پاشا" مردم را بدان فرامی خواند، آن مفکوره غربی است که به زن هااجازه می دهد چهار شوهرداشته باشند، یعنی بامرد برابر باشند که حق دارد چهارزن را به نکاح گیرد! این گفته خود بسنده بود که لطفی پاشادر انتخابات ناکام گردد.

به گفته احمدشامی، "درآن وقت کلمه"قانونی" یا"قانونگرا" ویا"هدستر" بدترین دشنامی بود که یک نفربه حریف ویابه دشمن خود حواله می کرد واین چنین تلقی ازقانونگرا تاسال ها ادامه داشت".

این خاطرات ثبت شده درحافظه مسلمانان پیرامون مفردات پروژه غربی طوری که دیدید، بنابه اسبابی که بخشی ازآنها را یاد آور شدیم، همه منفی بوده وهیچ تلاشی هم نمی توانست ریشه های این بحران وتشویش محسوس دروضع موجود آن وقت جامعه اسلامی را در برابر عناصرتجربه غربی که درپیشاپیش آنها دموکراسی قرار داشت، قطع وچنین برداشتی را ملغی اعلان نماید.

ولی اگر به بخش دیگر توجه نماییم به اموری در ارتباط به دموکراسی برخواهیم خورد که باید برآن هاروشنی انداخته شود که فشرده آنها را درملاحظات چهار گانه ذیل می توان ارایه کرد:

نخستین ملاحظه در ارتباط به مرجع قرار دادن والگودانستن غرب وتلقی ازآن به حیث یگانه ملاک صلاح وراهیابی همه ابنای بشرمی باشد، مرجع والگویی ویژه ای که باید گواهی نامه های حسن سیرت وسلوک دولت های جهان سوم وهمه جهان اسلام را صادر وبرآن هاصحه گذارد. اصلی که باید خود را در برابر آن نگاه داشت وازآن برحذر بود ومورد مراجعه وبررسی اش قرار داد.

چنین موضعگیری به خاطردشمنی وخصومت در برابر یک تجربه غربی نیست، بلکه خاستگاه آن احترام به شخصیت و ویژگی تمدن خود است، زیراهیچ کس در آرزوی آن نیست"به ویژه مسلمان باهمه مواریث بزرگ خود" که صواب امت ومردم خود را اقتضاء وتأسی ازالگوی غربی ویاذوب شدن در کوره آن بداند.

اتخاذ چنین موضعی قطعاً مخالف تاکید برارزش های مشترک انسانی وهمچنین ایده های برتر محصول تجارب بشری که مابه الاشتراک همه انسان ها است، نمی باشد؛ زیراهمه مردم در آفرینش همسان وهمگون اند ودر حساب آنها هرگز نباید اخلاق وتمدن خداوندان زور، برمغلوبان وناتوانان تحمیل گردد. دومین ملاحظه را می توان بااین پرسش مطرح نمودکه: آیامامجاز هستیم دموکراسی غربی را همان طوری که تربیت یافتگان دامان وفرزندان چشم گشوده در آب وخاکش به آواز رسامورد انتقاد قرار می دهند، باانتقاد نشانه بگیریم؟ ویا آن که ازما می خواهند در برابر این زبور نازل شده ازعرش اربابان شوکت وزور آمناوسلمنا بخوانیم وچون ترانه های بام وشام آن را حفظ وبه زمزمه بگیریم؟!!

یقیناً این تحول دهشت انگیز در وسایل ارتباط جمعی وقدرت اثرگذاری فوق العاده آن، جدال ومناقشه بیهمی را در اروپابرانگیخته، به ویژه پیرامون سودمند بودن احزاب سیاسی ونقش تلویزیون درذهنیت سازی وچه بساناسره سازی آن، امری که می شود باساختن رأی عام توسط این وسایل درجهت تعبیر ازمصلحت های معینی، مورد استفاده قرار گرفته وبازتاب دهنده حقیقت و واقعیت تمایلات ورغبت های مردم نباشد.

تحولی که صداقت سخن پیرامون حاکمیت مردم را درهاله ازتردید وشک قرار داده وخواهان آن می شود که درشماری ازقضایای مسلم که حیثیت وسیله‌ء تأمین دموکراسی را دارند، تجدید نظر صورت گیرد، سومین ملاحظه که بادو ملاحظه گذشته پیوند محکم دارد، درچوکات این سوال چهره نمایی می کند:

آیامامکلفیت داریم که به رغم وجود اختلافات احتمالی میان طبیعت جوامع وترکیب آنهانمونه دموکراسی غربی را همانطوری که در کشورهای زادگاهش، دنبال می گردد در کشورهای خود مورد تطبیق قرار دهیم؟

این پرسش براین فرض استوار است که میان ارزش های دموکراسی"چون مشارکت مردم، بازپرسی وغیره" ونمونه ویاشکل عملی ساختن آن درعرصه واقعیت"احزاب، مجلس ملی، مجلس سنا وخلافت" فرقی است بس بزرگ.

مادر مورد التزام به این ارزش ها که طرف اتفاق همه ودور ازمناقشه وجدال است، حرفی نداریم سخن پیرامون روش عملی قابل اتباع در امرتحقق بخشیدن، به این التزام است که آیا بادر نظرداشت همگون نبودن بافت اجتماعی جوامع، این روش نباید تغییر پذیرباشد؟ویاچطور؟ به صورت نمونه اگراوضاع سیاسی مصر، خواهان وجود احزاب سیاسی است، در کشورهای دیگری که اوضاع قبیلوی، نژادی وفرقه ای ریشه های عمیق دارد، بسیار امکان دارد که ایجاد وشیرازه بندی این احزاب زمینه یی باشد برای پاشان شدن وحدت ملی آنها که لبنان ویمن را می توان دونمونه از این کشورها به حساب گرفت.

ادامه دارد

۳- ابراهیم دسوقی شتا الثوره الایرانیه ص۴۹ و ۶۰.
۴- احمد الشامی ریاح التغییر فی الیمن ص ۹۰

نوشتهٔ دکتر عبدالحلیم غویس — ترجمهٔ فضل الرحمن فاضل

نقش تعصب قومی درسقوط دولت اسلامی اندلس (هسپانیه)

قسمت سیزدهم

دو رگه ها را از حیث اهمیت وتصنیف اجتماعی در رتبه سوم بعد از عربها وبربرها قرار می دادند درحالی که از نگاه نیروی عددی وتاثیر شان در بنای تمدن اندلس بایست در ردهء نخست قرار می گرفتند، هر گاه در مورد دو رگه ها دقت نماییم، در خواهیم یافت که ایشان نسل دوم هسپانوی ها اند که نسل نخستین شان را به نام"نو مسلمانان" یاد می کردند، تا این که این اصطلاح به دو رگه ها تطور واین واژه برکسانی اطلاق گردید که در نتیجه ازدواج عرب ها بازنان هسپانوی نژاد یا بربری ها واسلاوها به وجود آمدند. نسل جدید "دورگه" این نام را تا قرن سوم هجری حفظ کرد ودر قرن سوم هجری تحول اجتماعی بارزی پس از اختلاط گروه های گوناگون در اندلس پدید گردید.

حکم بن هشام از درک وضع اجتماعی ناتوان شده ونتوانست از آن در خدمت دولت وتمدن کار گیرد ودر عوض به راه های حل خشونت بار توسل جست وبر نژاد عربی در درجه نخست وبه شمشیر در درجه دوم اتکا کرد.

معاد له از آغاز فرمانروایی "حکم ربضی" در دست بنی امیه، مختل شد، مصلحت دولت برمصلحت دعوت وتمدن چربی کرد ومیلان نژادی با استخدام نژاد عربی آغاز یافت. وبرای خاموش ساختن آتش بنیاد برافگن برتری خواهی نژادی مانند عرب های فاتح استفاده به عمل نیامد.

واجناس بشری درکوره ارتباط اسلامی ذوب نگردید، بلکه همه هم وغم آنان در فرمانروایی به دور از انسجام اجتماعی وبرادری اسلامی که بر شالوده های مساوات وبرابری قایم بود، خلاصه می گردید.

بازده سیاست نابخردانه حکم واختلال میزان عدل که نشو ونمای نژادگرایی واحساس ستم را به دنبال داشت، دوکشتار بزرگ می باشد که در ذیل یاد آور می شویم:

۱- کشتار اهالی طلیطله که مسوول آن جنایت بزرگ بعد از حکم، عمروس بن یوسف و ولیعهد عبدالرحمن بن حکم است. این جنایت سنگین وننگین که نه اسلام آن را اجازه می دهد ونه سرشت عربی آن را می پذیرد، به نمایشنامهء اندوهناکی شبیه است که برنامه آن به ارتباط سفر از قبل پلان شده ولیعهد به طلیطله ریخته شد تا در مراسم صرف طعام، بزرگان و وجهای طلیطله دعوت گردند.

سران وبزرگان بایست از یک دروازه داخل می شدند واز دروازه دیگر خارج می گردیدند. طبل ها به صدا آمده بود واز ولیعهد پذیرایی شانداری به عمل آمد. اما مهمانان در میان دروازه ورودی وخروجی سربریده می شدند ویک یک در گودال قبلاًحفر شده انداخته می شدند.

ابوبکر بن قوطیه این نمایش شرمناک تاریخی را که با اخلاق اسلامی سازگاری ندارد، در این گفتار کوتاه چنین تصویر می کند:

حکم به عمروس هدایت داد تامحلی را ترتیب دهد که دو دروازه داشته باشد، حکم به طلیطله رفت وداخل آن محل گردید. پس امر کرد تا وجهای طلیطله از شهر وبادیه حاضر شوند. همه حاضر شدند، آنان را هدایت داد تا از دروازهء ورودی داخل شوند، جلادان در کناره گودال های قبلاً حفر شده انتظار می کشیدند، وهر کسی که داخل می شد گردنش زده می شد وجسدش در گودال پرتاب می گرد ید، تا این که پنجهزار وسه صد وچند نفر را به قتل رساندند.

برخی از مورخان گفته اند که در این روز شوم در سال ۷۹۷م هفتصد مرد از بزرگان شهر به قتل رسیدند، واین کشتارگاه تا امروز به نام "گودال عمروس" معروف است.

۲- کشتار دومین از نخستین هم، رشتر ودارای اثر ژرفتر است وآن در قرطبه به وقوع پیوست ونتیجه اش دشمنی مردم با سیاست حکم واخلاق شخصی او بود که دانشمندان ودعوتگران مسلمان را واداشت تا مردم را برضد او بشورانند ومردم به حرف های آن ها پاسخ مثبت دادند.

ادامه دارد

ازکتاب: افغانستان در آتش نفت

بن لادن: معمایی که ناگشوده ماند


خواجه بشیراحمد انصاری

قسمت دوم

عرصهء دیگر جولان بن لادن کشورهای بالکان بود. این منطقه هم درمرکز خریطهء پایپلاین قرار گرفته که درنظر است نفت حوزهء بحیرهء سیاه را به اروپای غربی انتقال دهد. درآنجا دوپروژهء پایپلاین وجود دارد که هردوی آنها ازسرزمین مقدونیه می گذرند. یکی مربوط به روسها است ودیگرش مربوط به کشورهای غربی که امریکادر رأس آنها قرار دارد. پایپلاینی را که روسها روی دست دارند ازیونان شروع می شود وبعدازآن که خاک مقدونیه را عبورمی کند به صربیا می رسد. قسمت«یونان- مقدونیه» آن تکمیل شده ولی بخش«مقدونیه-صربیا» آن به خاطرجنگی که درآن حوزه شعله ور شد ناتکمیل ماند. اگر به نقشهء این حوزهء حساس نگاه کنیم دیده می شود که شعله های جنگ در مناطقی زبانه می کشید که قرار بود خط نفت ازهمان مناطق عبورنماید. در رابطه باپروژهء دیگر باید گفت که درسال۱۹۹۷کمپنی نفتیB.P وتکزاس هالیبرتون طرحی را روی دست داشتند که به اساس آن پایپلاینی از«ببرگاس» بلغاریا به مقدونیه وازآنجا به یکی ازبنادر البانیا وصل می شد. درسال ۱۹۹۹در آن وقتی که هواپیماهای نظامی امریکا وناتو درآسمان کوسووا درگردش بودند، گروهی ازتحلیلگران افشانمودند که امریکا می خواهد تاراه مرور نفت بحیرهء خزر را به صوب اروپا بازنماید. پس ازبمباردمان کوسووا ایالات متحده در مارچ۱۹۹۹مبلغ بزرگی را صرف اعمار اردوگاه بزرگی درجنوب کوسووا نمود که گفته می شود این اردوگاه بزرگترین اردوگاهی است که پس ازجنگ ویتنام درخارج ازامریکا ساخته می شود. جالب این که این اردوگاه توسط کمپنی نفتی هالیبرتون ساخته شد، کمپنی ای که دیک چینی در رأس آن قرار داشت. درجون ۱۹۹۹سازمان تجارت وانکشاف امریکانیز اعلام نمود که مبلغی را جهت مطالعهء زمینه های کشیدن لولهء نفت به کشور بلغاریا اهدا کرده است.

اشتراک ناتو درجنگهای بالکان وبمباردمان نیروهایی که اصلاً دیانت مسیحی داشتند نه به خاطرگل روی مسلمانان مظلوم ومجروح آن دیار بود ونه هم برای دفاع ازحقوق انسان وحق انتخاب سرنوشت او، بلکه درپشت پردهء این جنگ نیزچهرهء سیاه دیناسور نفت واقتصاد وسیمای راکفلرها ودیگر سرمایه داران امریکایی پنهان بود. درپشت این جنگ کمپنیهای نفتی اموکو، شیل، یونیکال، ای. ان. آی، اجیب، اکسون، موبیل، تکزاس هالیبرتون وتکساکو وجود داشت.

سلوبودان میلوسویچ هم به خاطر این زندانی نیست که جنایاتی را درحق انسانیت مرتکب شده ویااین که نسل کشی کرده وده ها هزار مسلمان مظلوم را به قتل رسانیده است بلکه به خاطر آن است که پروژهء نفتی او باپروژهء نفتی امریکا ومتحدینش تغایرداشت.

دادگاه بین المللی لاهه ونقض حقوق انسان اگرجنایتکاران را به محکمه می کشاند در آنصورت شارون اولین کسی بود که باید محاکمه می شد.

در رابطه به ایران باید گفت که ایران ستیزی وتشیع زدایی بن لادن وطالبان می توانست هدف بسیار مهم امریکا را در منطقه پیاده سازد.

برهم زدن استقرار کشورهای خلیج وخصوصاً عربستان سعودی هدف مهم اسرائیل وحلقات تندرو امریکا را تشکیل می دهد که این مأمول هم باتقویت جناح بن لادن امکان پذیر بود وبس.

عرصهء دیگر جهاد بن لادن تعلیم دهی نظامی جوانان اقلیم سنکیانگ چین، به خاطر پیشبرد رقابتهای امریکا در منطقه بود. این مسأله هم بااهداف استراتژیک امریکا مطابقت کامل داشت.

بن لادن که در سالهای جهاد ازمرزهای پاکستان پیش نرفت، وازهمان آغاز زیرنظر«آی.اس.آی» فعالیت خویش را عیارنمود،همه کار وفعالیت وتونل سازی هایش درمناطق مرزی تمرکز داشت. کار اوبیشتر به خاطرتحکیم مرزهای پاکستان بود تادفاع ازجبهات مجاهدین. اوکه تاآخرین روزهای جهاد ازمشاهدهء عمق جبهات جهادی افغانستان محروم ماند، درسالهای جنگ طالبان یک روز در کندز بود وروز دیگرش درمزار. یک شب درقندهار بود وفردایش درکابل وجلال آباد. درجنگهای داخلی افغانستان که هردو طرف خط جنگ مسلمان بودند، بدون شک که بن لادن بزرگترین جنایات را به نام خود ثبت نمود. او وپیروانش که سرسختانه تر ازطالبان افغانی می جنگیدند هیچگونه اقدامی در راه آشتی وصلح میان افغانها ومتوقف ساختن سیل خون واشک انجام ندادند.

بن لادن که سرمایهء عظیمی را صرف تربیت نظامی جوانان عرب نمود، هیچگونه عمل سازنده یی ازاو به یادگار نماند. اوکه ملیونها دالر مسلمانان کشورهای نفتی را به نام جهاد افغانستان جمع آوری نمود هیچ شفاخانهء توسط اواعمارنشد، ودر آن وقتی که فرزندان مجاهدین درکوچه وبازار پاکستانی وکمپهای مهاجرین راه بی سرنوشتی را می پیمودند، هیچ مکتب ودانشگاه ویامؤسسه تعلیمی ودارالایتامی ازطرف او ساخته نشد، تاهنوز هیچ پل وسرک وآبادی یی به نام اوثبت نشده است، وهیچ مرکز علمی وپژوهشی یی در زیر چتر امپراطوری او به مشاهده نرسیده است.

حامیان بن لادن درجهان اسلام قشری را تشکیل می دهند که به گفتهء مرحوم غزالی ازفهم کم وانرژی زیادی برخوردارند. این گروه ناپخته آسانترین راه را برای رسیدن به جامعهء آیدیال شان درپیش گرفته اند، زیرا این بسیار ساده است که شخصی را تکفیرنمود ولی این آسان نیست که کافری را معتقد به دین نمود. این آسان است که به صورت دشمن تبرانداخت ولی این آسان نیست که دوجبهه مخاصم را رو درروی هم نشاند. این آسان است که همه مصیبتها را به دوش دشمنان اسلام افگند، اما این آسان نیست که علل وانگیزه های داخلی این سیه روزی را دریافت. این آسان است که فتوای جهاد داد ولی این آسان نیست که مقاصد جهاد را تحقق بخشد. این آسان است که باطل را کوفت ولی این آسان نیست که حق را جانشین باطل نمود. این آسان است که شهری را به خاک برابر کرد ولی این آسان نیست که عمارتی را ازنوساخت. این آسان است که جوانی را درپناه صخره ای، کلاشینکوف تعلیم داد ولی آسان نیست که کارشناسی را تقدیم جامعه نمود. این آسان است که قومی را برفرق قومی دیگرکوفت وحساسیتی را میان ملتهای مسلمان افغانی وپاکستانی وعرب دامن زد ولی این آسان نیست که روحیهء برابری واخوت را درمیان آنها زنده ساخت. این آسان است که باوارد شدن کوچکترین فشاری راه فرار را ازسرزمین اصلی خویش درپیش گرفت ولی این آسان نیست که درجای خود ایستاد وچلنج داد ومقاومت کرد. این آسان است که سلطه یی را بانیروی پول وسرمایه درکشوری جنگزده تأسیس نمود ولی این آسان نیست که قلوب مردم را تسخیر کرد. این آسان است که آتشی را درطول وعرض جهان اسلام برافروخت ولی این آسان نیست که طرحی ریخت وتمدنی بنانمود. این آسان است که دور ازمردم وغوغا زندگی مدنی درمغاره یی زیست ولی این آسان نیست که درمیان دگراندیشان جامعه طرح خویش را عرضه کرد.

ادامه دارد

داسلامي ضد اقداماتو په وړاندي د بریژیت باردو اعتراض

د فرانسـي د تلویـزیون او سـینمایوي مشـهوري او پخوانـي لوبغـاړي بریژیـت بـاردو پـه دي وروسـتیو وختوکـي پـه فرانسـه کـي دمسـلمانانو د فعالیـتونو د محدودولـو او پـه هغـو بـاندي دبـندیز لګولـو پـه بـاب د قوانیـنو دتصـویب پـه خاطـر دهغـه هـیواد د مشـرانو پـه سیاسـت بـاندي نیوکـي کړيدي.

دي پـه یـوه سـخته ویـنا کـي دفرانسـي قـانون پوهـان دنـورو دیـنونو پـه وړانـدي پـه نـژاد پرسـتي او دنـورو دیـنونو پـه وړانـدي تبلیـغ بـاندي محکـوم کـړل او داسـلام پرضـدیي د هغـوي دحساسـیت د پـاي تـه رسـیدو غوښتنه وکړه.

برژیـت بـاردو چـي پـه فرانسـه کـي دنـژادي پالیسـي ضـد د مـبارزي خلانـده څـیره ده. پـه دي بـاب وائـي: زه پـه پـاریس کـي داسـلام ضـد تبلـیغ سـره مخالفـه یمـه. زمونـږ نـیکونو پـه کلکـه دغـه راز عملونـه غندلـي او زه نـن دهغـوي دلاري پـیروه یمـه. هغـه وائـي زه یـوه زړه وره ښځه یمـه او پـه هـر هغـه څـه چـي عقـیده پـري لـرم له هغـي نـه پـه خبرو او عمل دواړو سـره دفاع کوم.

د بـاردو د دغـو څرګندونو له امله پـه فرانسـه کـي چـي نـژدي پـنځه ملـیونه مسـلمانان پـه کـي ژونـد کـوي مخالفـتونه پیداشـوي دي. دغـه راز بـاردو پـه فرانسـه کـي دحجـاب ضـد قـانون هم سـخت مخالفت کړي و چي دهغـه پـه موجـب د ښوونځـیو او پوهنځـیو پـه هغـو نجونـو بـاندي بـندیز لګـول شـوي و چي حجاب یي درلوده.

مـوږ د نـړي دمسـلمانانو پـه اسـتازیتوب د بریژیـت بـاردو د دغـه راز بشـر دوسـتانه احساسـاتو درنـاوي کـوو او هـیله مـن یـوو چـي زمونـږ دوسـت هـیواد فرانسـه دمسـلمانانو پـه وړانـدي لـه زور زیاتـي اوبـندیزونو لـه لګولـو څخـه ډډه وکـړي او پـه دیموکراسـي بـاندي دعقـیدي لـه مخـي دهغـوي ازادي تـه درناوي وکړي.

ش- زیارمل

دبوسنیا داسلامي خطي نسخو موزیم

پـه بوسـنیا کـي داسـلامي خطـي نسـخو دسـازمان مدیـر ډاکتـر مصـطفي ددغـه هـیواد د اسـلامي ارزښتمـندو خطـي نسـخو دموزیـم دجوړولـو دنـوي ودانـي خـبر ورکـړ. وایـي هغـه څـه د پاسـه لـس زره خطـي نـادري نسـخي چـي زیـات لرغونـتوب لـري او زیاتـره یـي دځـارویو پـه پوسـتکو بـاندي دسرزرو پـه اوبـو لـیکل شـویدي او لـرغون تـوب یـي شپاړلسمي مـیلادي پـیړي تـه رسـیږي دبوسنیا پـه پخوانـي موزیـم کـي سـاتل شـوي چـي ډیـر ژره بـه نـوي موزیـم تـه ولـیږدول شـي او دمینـه والـو لـیدو تـه بـه وړانـدي شي.

ښاغلـي مصـطفي زیاتـه کـړه پـه دغـو خطـي نسـخو بـاندي دباوکـان د جګـړو پـه وخـت کـي ځوځـو ځلـه د ضـرب خواکونـو له خوا یـرغل وشـو او یـوه انـدازه دغـه قیمتـي اثـار لـه مینځه لاړل ځـود تـیکه مـرغه چـي دپاتـي اثـار وکلکـه ځارنـه وشـوه او ضـربان دي تـه پـري نښـودل شـول چـي دبالکـان لـه سـیمي څخـه دغـه راز اسـلامي اثـار لـه مینځه یوسـي او اسـلامي فرهـنګ اوتمـدن تـه زیان ورسوي.

د بوسـنیا د فرهنګـي مـیراثونو دسـازمان مدیـر وویـل: دبوسـنیا دموزیـم مسـوولینو صـادقانه هلـي ځلـي وکـړي چـي دغـه اسـلامي خطـي نسـخي له خطر څخـه وژغورلـي شـي دهمدغـي موخـي دتـر سـره کولـو لـه املـه ئـي دغـه اثـار دبوسـنیا مرکـزي بـانك تـه واسـتول تـرڅو خونـدي پاتـي شـي، پـه دغـو خطـي نسـخو کـي دحـافظ شـیرازي د دیـوان یـوه نسـخه هـم شـته چـي پـه ښـه توګـه ساتل شوي ده.

دبوسـنیا لومـړي تاریخـي موزیـم پـه"۱۵۳۷" کـال کـي دعثمانـي والـي غـازي خسـرو بـیګ پـه وخـت کـي جوړشـوي چـي دنـورو اسـلامي اثـارو پـه څـنګ کـي شـیخ الاسـلام ابوحـامد غزالـي اثـر چـي"احیاء علـوم الدیـن" نومـیږي هـم شـامل دي چي دغـه کـتاب بـیا پـه دولسـمه مـیلادي پـیړي پوري اړه پیداکوي.

پسرلی

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره سی ویکم چهارشنبه ۲۸ جوزا ۱۳۸۲ - ۱۸ ربیع الثانی ۱٤۲٤ - 18 June 2003

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

در مسابقات بین المللی ریاضی در الماتا

افغانستان دو مدال نقره ویک برونز را کمایی کرد

به تاریخ۲۵می سال جاری المپیای بین المللی ریاضی در شهر الماتا مرکز قزاقستان بر گزار گردید.

در این مسابقات از۲۴کشور جهان یکصد شاگرد با ارائه پنجاه پروژه، ریاضی اشتراک نموده بودند.

محمد مجتبی حسن، محمد انور نوری متعلمان صنف۱۲لیسه، افغان – ترک مزار شریف حایز مقام دوم محمد ناصر گلزاده حایز مقام سوم این مسابقات گردیده، دو مدال نقره ویک مدال برونز را کمایی نمودند.

روز۲۱جوزا به خاطر بزرگداشت وتقدیر از موفقیت شاگردان افغانی در مسابقات بین المللی ریاضی، محفلی در سالون میوند برگزار گردیده بود. آقای یونس قانونی وزیر معارف کشور این موفقیت را به شاگردان تبریک گفته وآنها را مورد نوازش وشفقت قرار داد.

آقای یوجل رئیس مکاتب افغان-ترک در مورد پروگرام های آموزشی این موسسه، تعلیمی معلومات ارائه داشته گفت: لیسه های افغان- ترک از۱۹۹۶ بدینسو در شهرهای کابل، مزار شریف وقندهار فعال می باشند.

افغان- ترک در پنج لیسه مذکور ۲۲۰۰ شاگرد را با ۱۸معلم افغان و۲۰ معلم ترکی آموزش می دهد. وی در مورد موفقیت شاگردان این مکاتب گفت: ما متیقن هستیم که در مسابقات بعدی بین المللی مقام های بالاتر نصیب کشور افغانستان گردد.



محمد انور نوری



محمد مجتبی حسن



محمد ناصر گل زاده

گزارشگر «مجاهد» ضمن گفت وشنود کوتاهی این موفقیت را به برندگان این مسابقات تبریک گفته از مجتبی حسن در مورد آغاز کارش در این پروژه معلومات خواست، وی در پاسخ گفت:

مایک ونیم سال قبل بالای پروژه های دست داشته خود کار را آغاز کردیم که بعد از ختم آن، یک ماه قبل از امتحان، آن را تسلیم کمیسیون امتحانات نمودیم. وقتی پروژه های ما را بر رسی نمودند، جهت اشتراک در مسابقات بین المللی رسماً به جمهوری قزاقستان دعوت شدیم. بعداً پروژه های جداگانه یی برای ما سپرده شد که پس از دفاع آن در مقام دوم وسوم این مسابقات قرار گرفتیم.

از وی پرسیدم بااشتراک در این مسابقه جهانی خود را چگونه احساس می کردید؟ در جواب گفت: وقتی به شهر الماتا رسیدیم وشامل امتحان شدیم، شاگردانی که از کشور های جهان آمده بودند باحیرت به ما می نگریستند ومی گفتند بعد از۲۴سال جنگ چگونه توانستید در این المپیای بین المللی شامل شوید.

خوشبختانه از این آزمون موفق به در آمدیم که این افتخار نه تنها مربوط به ما بلکه افتخار وطن ومردم ماست.

فیصل عبدالله

معمای ده در صد رشد اقتصادی...

به این ترتیب افزایش سریع تراکم سرمایه ملی شرط اساسی توسعه اقتصادی شتابان است توسعه ای که رفته رفته خود بسنده خواهد شد وسطح زندگی بالارونده ای برای مردم کشور تامین خواهد کرد. در اینجا باید به یاد داشت که کمک خارجی هر قدر که باشد، کشور را ازضرورت تراکم سرمایه، ملی بی نیاز نمی کند، درست برعکس. حتی باید گفت هرچه کمک خارجی بیشتر باشد، کوشش برای تراکم سرمایه، ملی باید افزون تر شود تا همواره کمک خارجی نسبت به تراکم سرمایه، ملی کمتر باشد. سرمایه، ملی تنها پایه ای است که سیاست واقعی توسعه، اقتصادی را باید برآن بنا نهاد.

توسعه، اقتصادی کاذبی که تکیه اش اصولا بر کمک خارجی باشد، برپایه، سست استوار است و فعالیت اقتصادی حاصل از آن هر لحظه در معرض خطر متوقف شدن است. زیرا کمک خارجی هر لحظه ممکن است متوقف شود و به توسعه، کاذبی که بر پایه، آن بنا شده است پایان دهد. چنین توسعه، کاذبی تنها پرده ای است که واقعیت تابعیت اقتصادی را به شکل دیگری پنهان می کند.(۱)

تا آنجا که مسئله به کشور ما رابطه می گیرد، کمک های خارجی هنوز در بخشهای تولیدی و یا سکتور های زیربنایی بکار گرفته نشده است. پروژه هایی به منظور امداد بشری را نمیتوان بعنوان شاخص رشد اقتصادی ارزیابی کرد بلکه برعکس چنین پروژه ها نشان از عدم کارایی موثر اقتصاد کشور دارد.

گونار میردال اقتصاد دان بزرگ انگلیسی که او نیز در مورد کشور های جهان سوم صاحب نظر است در کتاب (طرحی بر ای مبارزه با فقر جهانی) می نویسد:

دولت ناکارآمد تمام انواع بی انظباطی های اجتماعی را که بصورت زیر تظاهر می کند شامل میشود: نقص در قانون گذاری و اجرای قانون، مرعی نداشتن قوانین و دستورات سلسله مراتب بالا توسط ماموران مراتب پائین و سازش و تبانی این مامورین با گروهها و افراد با نفوذ.

از دیگر مشخصه های (دولت های ناکارآمد) فساد است ... این الگو های رفتاری، مطابق اصل علیت بسته، بروی هم تاثیر می گذارند و حتی اثر یکدیگر را شدت می بخشند...(۲)

این درست همان مشکلی است که ما در افغانستان داریم که جناب کرزی نیز بارها از آن شکوه سرداده ولی هنوز مشکل مرکزی شدن عواید که میتواند لااقل در تامین بودجه، عادی، دولت را یاری دهد هنوز بصورت کامل حل نشده است. پس شاخص این رشد ده درصد را در کجا باید جستجو کرد؟

آرزو اینست که جناب آقای کرزی دستور عنایت فرمایند تا راپور بانک آسیایی در مورد رشد اقتصادی کشور به نشر برسد تا مشخص گردد که این رشد ده درصد چگونه و از کدام راهها ممکن و میسر شده است.

ماخذ :

۱- شارل بتلهایم- برنامه ریزی و رشد شتابان – چاپ تهران ص ۷۲
۲- گونار میردال – طرحی برای مبارزه با فقر جهانی ص ۱۸۴- فصل "دولت های ناکارآمد".

از نامه های آمده

وسایل ارتباط جمعی وسیلۀ رشد اخلاق وفرهنگ باشد نه ضد آن ها

خدمت دست اندرکاران جریده، مجاهد سلام و احترام تقدیم می کنم.

این جانب یکی از شنوندگان و علاقه مندان رادیوها و وسایل ارتباط همگانی هستم، با همین دلیل جریده، شما را نیز پیوسته مورد مطالعه قرار می دهم.

برای شما در بهبود بخشیدن به امور نشراتی و بلند بردن کیفیت کارتان از خداوند منان طلب پیروزی های بازهم جدی تری دارم.

خواهشمندم نامه یی را که برای تان می فرستم به دست نشر بسپارید تا به این وسیله صدای ما به گوش کسانی برسد که نمی دانند چه جفای بزرگی را دانسته یا ندانسته، در حق این ملت مظلوم انجام می دهند.

مخاطب من در قدم اول مسوولان محترم وزارت اطلاعات و فرهنگ است که برای رادیویی به نام آرمان جواز نشرات صادر فرموده اند و بعد کسانی که در پشت پرده، عده یی از پسران و دختران نا آگاه و بی خبر از همه چیز و همه جا را وسیله اغراض و مقاصد ضد فرهنگی خود ساخته اند.

رادیوی مبتذل و بی پروای آرمان موج اف.ام، در این روزها باعث عصبانیت و تأثر تعدادی کثیری از خانواده ها و اشخاص و افراد خبیر و خیر اندیش گردیده است. چرا که گردانند این رادیو، در سطح کوچه و بازار و با نازل ترین درجه اخلاقی، دست به اشاعه، بی بند و باری زده، لکه های ننگی به دامان فرهنگ اجتماعی مردم ما می باشند. من به صفت یک شنونده و خواننده و تماشا کننده، وسایل و رسانه های صوتی و خطی و تصویری از مسوولان وزارت اطلاعات و فرهنگ کشور می پرسم به چه دلیلی به این لجام گسیختگی اجازه داده اند؟

آیا این ها متوجه نیستند که نشر یک برنامه، رادیویی کار یک مشت جوانک بی سواد و نافهم نبوده و یک حرکت بی قاعده و خلاف اخلاق و خلاف عفت کلام را نمی تواند باشد و نشر موسیقی مبتذل چاره و درمانی برای دردها و آلام بی شمار مردم ما نخواهد شد!؟

از مدتی بدین سو در موج اف.ام برنامه یی به نشر می رسد که از هیچ لحاظ با معیارها و موازین ژورنالیسم و فرهنگ مطبوعات برابر نبوده و ایجاب می کند به صورت فوری مورد باز پرس قرار گیرد و راه و چاره، سالمی برای آن اندیشیده شود.

شرم آور تر ین الفاظ و کلمات با طرز بیان غیر اخلاقی خلاف موازین شناخته شده، نشراتی توسط گویندگان این رادیو به خورد مردم داده می شود. در شرایطی که یک نسل وسیع از نوجوانان به دلیل دوام جنگ ها و نبود شرایط تعلیم و تربیه، سالم در معرض تهاجم قرار دارد و از نظر روحی و روانی آسیب پذیرترین و تأثیر پذیرترین بخش جامعه را تشکیل می دهند و یکی از سرگرمی های مهم شان شنیدن رادیوست.

حالا این نسل مظلوم و محتاج ما چرا به وسیله، این رادیوی بی هدف و بی آرمان در معرض بازهم ترویج فساد و تباهی فکری و اخلاقی قرار می گیرد؟ چرا وزارت اطلاعات و فرهنگ در این زمینه خاموش و ساکت است.

وزارت اطلاعات و فرهنگ چرا برای راه اندازی همچو برنامه ها معیارها وموازین قابل قبول و قابل محاسبه مسلکی را مدنظر ندارد و با سهل انگاری و بی پروایی دست این گروه را در یک چنین امری خطیر باز گذاشته و هیچ گونه کنترل و نظارت قانونمندی به کار آنان ندارد!؟

نه صدا ونه بیانی، نه دانش و مهارت مسلکی و نه تسلط لازم شخصی، هیچ معیاری در گردانندگان این رادیو وجود ندارد.

خواهشمندم موضوع از طریق مراجع رسمی و قانونی مورد رسیدگی قرار داده شود.

اما در خطاب به کسانی که در پس پرده نشسته و این گویندگان بی سواد و بی تجربه را وسیله ساخته اند، باید گفت:

اگر منظور شما راه اندازی یک امر مهم فرهنگی و خدمت گزاری به مردم افغانستان باشد، مطمین باشید که رادیوی شما به آن دست نخواهد یافت، حد اقل در وضعیت و کیفیت نشرات رادیوی مذکور از افراد و اشخاص آگاه و خبیر طالب کمک شویید و کار خود را اول با معیارها برابر سازید و بعد با منافع مردم افغانستان. و این را نیز بدانید که هر چیز حدی و اندازه یی دارد و شنیدن موسیقی هم.

آقایان و خانم ها!

نشر موسیقی مبتذل و تحویل الفاظ رکیک و خنده و نعره شرم آور از طریق یک موج رادیویی، خدمت به مردم نیست. درست برعکس خیانت به مردم است.

شما کدام گره ناگشوده را باکار تان باز می کنید وچه راه حلی برای مسایل و دشواری های موجود مردم افغانستان ارائه می نمایید که مدعی می شوید؛ «ما در خدمت شما قرار داریم!»

آنانی که این گونه برنامه ها را نشر و گردانندگی می کنند، باید مردم دانشمند، صاحب تجربه و دارای ظرفیت ها و کفایت لازم شخصی ومسلکی باشند.

چرا شما بینی خود را سیاه می کنید!

در این مورد، سخت به خطا رفته اید! توجه داشته باشید که سکوت هزاران بار بهتر از بد سخن گفتن است.

محمد احمدی ازمکروریان سوم